

باید وضعیت «بزرگ‌ترین اقلیت جهان» تغییر کند

(به مناسبت روز بین‌المللی معلولان)

جیمز کینینگهام

آیا ممکن است ویلچیر در رهرو گشت‌وگذار کند؟ آیا دسترسی به حمام امکان دارد؟ آیا مکان‌های مسکونی زینتی هموار دارند؟ این‌ها همه پرسش‌هایی اند که به ذهن ما خطور می‌کنند؛ اما متأسفانه دسترسی به این سهولت‌های عمومی که ما از آن استفاده می‌کنیم، برای همگان ممکن نیست. بر علاوه‌ی موانع فیزیکی، معلولان در سطح اجتماع با نگرش منفی و بدتر از همه با تبعیض نیز روبه‌رو اند. بدون همکاری و حمایت دولت، اشخاص دارای معلولیت نمی‌توانند دسترسی برابر به خدمات گوناگون؛ مانند تعلیم و تربیه، فرصت استخدام، مراقبت‌های صحی، ترانسپورت، مشارکت سیاسی و عدالت داشته باشند. در نتیجه، جامعه از درخشش آن‌ها در عرصه‌های گوناگون، کوشش و تلاشی که آنان دارند و سهم‌گیری آنان در امور اجتماعی، محروم می‌ماند. اگر ما به ادامه‌ی همین وضعیت راضی باشیم، در محرومیت «بزرگ‌ترین اقلیت جهان»...



صفحه ۴



اداره‌ی ارگان‌های محل: والیان جدید به زودی تعیین می‌شوند



راه‌اندازی کمپاین ۶ روزه برای کاهش خشونت علیه زنان



اتحاد افغانی پرچمش را به اهتزاز درمی‌آورد



چگونه چالش‌ها را حرفه‌ای مدیریت کنیم؟



بایرنی‌هانگران تمدید قرارداد گواردیولا



وزارت مالیه:

سه بانک دولتی را مدغم می‌کنیم



صفحه ۲

صفحه ۳

نامه‌ی سرگشاده به ریاست جمهوری، جناب آقای محمد اشرف غنی



رییس جمهوری، جناب آقای محمد اشرف غنی!

به مناسبت کنفرانس لندن در باره‌ی افغانستان به تاریخ ۳ و ۴ دسامبر ۲۰۱۴ که مطمئین وضعیت حقوق بشر در افغانستان در آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت و بر اساس توانایی دولت شما به تعهد در زمینه‌ی بهبود وضعیت حقوق بشر برای تمام مردم افغانستان، تمویل کنندگان بین‌المللی تصمیم‌هایی برای ادامه‌ی تمویل و پشتیبانی مالی اتخاذ خواهند کرد، از این فرصت استفاده می‌کنیم تا بعضی از مسایلی را که از نظر سازمان‌های ما در فعالیت به منظور حمایت از حقوق بشر و پیشبرد آن در افغانستان اساسی هستند، مطرح کنیم.

چهار دهه جنگ در افغانستان به ناامنی، بی‌ثباتی سیاسی، نبود حاکمیت قانون و رواج خشونت و فقر منجر شده است. این مشکلات شرایط رشد بسیاری از اشکال خشونت، به‌ویژه تبعیض و خشونت علیه زنان، را فراهم کرده‌اند. نقض فاحش حقوق زنان در چند دهه‌ی گذشته در حاکمیت دولت‌های مختلف، موانع جدی در راه پیشرفت افغانستان ایجاد کرده است و ما بر این باوریم که دولت شما با جدیت به این مسئله توجه و برای رسیدگی به دلیل‌های اصلی آن فعالیت خواهد کرد.

صفحه ۵

افغانستان عراق نیست... از مردمش پرسید



در این اواخر ناکامی بزرگ دخالت ایالات متحده در عراق آشکار شد و سبب شد که ناظران بیرونی تصور کنند که کاهش سریع نیروهای نظامی بین‌المللی در افغانستان، آشفته‌گی مشابهی را در این کشور در پی خواهد داشت.

احمد رشید، صاحب‌نظر شناخته‌شده در باره‌ی مسایل امنیتی افغانستان و نویسنده‌ی کتاب مشهور طالبان، در این اواخر در صفحه‌ی دیدگاه نیویورک تایمز نوشت که طرح خروج نیروهای ایالات متحده که در سال ۲۰۰۹ ریخته شد، «اکنون به شکل فاجعه‌باری اشتباه ثابت می‌شود». سناتور جان مک‌کین و لیبندزی گراهام دو ماه پیش هشدار دادند: «اگر رییس جمهور اشتباهی را که در عراق مرتکب شد، تکرار کند و تمام سربازان را بر اساس یک تقویم و تاریخ معین از افغانستان بیرون کند، ترس ما آن است که اشتباهی مشابه آن‌چه ما در عراق دیده‌ایم، رخ بدهد.»

اما سروی ۲۰۱۴ بنیاد آسیا از مردم افغانستان که به‌تازگی نشر شده است، نشان می‌دهد که با آن که مردم افغانستان نگران آینده‌ی کشورشان هستند، به هیچ‌وجه با بدبینی عمیقی که پیش‌گویان خارجی از روز پایانی افغانستان دارند، هم‌نوا نیستند. این پیش‌گویان خارجی با قطعیت اظهار نظر می‌کنند...

چهار شنبه
۱۲ قوس
۱۳۹۳
سال سوم
شماره ۷۲۴



یادداشت روز

ایدز در افغانستان گراف صعودی می‌پیماید؛ باید خطرش را جدی گرفت

.....کشور بشیر یاوری

وزارت صحت عامه به مناسبت روز جهانی کنترل ایدز گفته است که در افغانستان ۱۶۹۴ مورد وقایع مثبت اچ‌آی‌وی به ثبت رسیده است و در سرتاسر کشور ۴۵۰۰ مورد اچ‌آی‌وی مثبت موجود می‌باشد.
آمار وقایع مثبت مبتلایان به ایدز کم می‌باشد. این در حالی است که آمار دقیقی از تعداد افراد آلوده به ویروس ایدز، وجود ندارد.
آمار وزارت صحت عامه تخمینی است و مبتنی بر یک ارزیابی همگانی نمی‌باشد. ویروس ایدز یک ویروس خطرناک است که به مرور زمان به سیستم دفاعی بدن آسیب می‌رساند و هنوز واکسین ضد آن ساخته نشده است. این ویروس از طریق انتقال خون، آمیزش جنسی، سوزن آلوده و وسایلی که جراثیم ایجاد می‌کنند و آلوده به خون فرد مبتلا به ویروس اچ‌آی‌وی باشد، انتقال می‌یابد. تنها راه جلوگیری از مبتلا نشدن به این ویروس، جلوگیری از آلوده شدن به آن است. هم اکنون در سرتاسر جهان بیش‌تر از ۳۵.۳ میلیون نفر مبتلا به اچ‌آی‌وی می‌باشند که نصف آن را زنان تشکیل می‌دهند و تا هنوز ایدز ۴۰ میلیون انسان را به کام مرگ کشانده است.

خوش‌بینی‌ای را که وزارت صحت عامه در مورد کاهش مبتلایان به ایدز در کشور مطرح کرده است، توأم با ترس جدی در مورد شیوع آن در افغانستان است. به‌خاطری مبتلایان به ایدز یا ویروس آن تا هنوز در افغانستان کم اند که این بیماری تازه در کشور شیوع یافته است. از سیزده سال به این‌سو زمینه‌ی پخش آن بیش‌تر شده است و طی این مدت، اگر دقت شود، گراف شیوع آن سیر صعودی داشته است. عواملی چون اعتیاد روزافزون جوانان به مواد مخدر، افزایش ناهنجاری‌های اخلاقی و روابط جنسی در جامعه که به دو علت بیش‌تر شده است: یکی بسته بودن جامعه باعث شده که جوانان نتوانند از راه‌های مشروع نیازهای جنسی خویش را برآورده سازند که بر اثر آن به ناگزیری روابط نابه‌نجار جنسی را انتخاب می‌کنند و دوم، فقر، زمینه‌ی فحشا و روابط جنسی نامطمئن را در جامعه بیش‌تر ساخته و جوانان ناگزیر برای رفع نیازهای جنسی‌شان از این زمینه‌ها استفاده می‌کنند یا به‌خاطر فقر به فحشا رو می‌آورند.

این مسئله باعث می‌شود که ویروس ایدز از کسانی که آلوده به آن می‌باشند، شیوع یابد. عامل مهم دیگر، عدم رعایت فرهنگ وقایه در کشور می‌باشد که متأسفانه این مشکل حتا در مراکز صحنی کمتر رعایت می‌شود. بعضی از کارکنان صحنی که مسلکی نیستند و نسبت به مسئولیت‌های‌شان متعهد نمی‌باشند، تدابیر وقایه‌ای را جدی نمی‌گیرند و این مشکل هم در شفاخانه‌های دولتی و هم در شفاخانه‌های خصوصی دیده می‌شود.

بنابراین، نیاز است که برای مبارزه با ایدز، آگاهی لازم به جامعه داده شود و وزارت صحت از مراکز صحنی دولتی و خصوصی نظارت کند تا زمینه‌های بالفعل شیوع این بیماری در جامعه، محدود شوند. با توجه به عوامل و زمینه‌های شیوع آن در جامعه، هرگاه مبارزه‌ی هدف‌مند و توأم با آگاهی‌دهی همگانی در جامعه صورت نگیرد، خطر شیوع بیش‌تر ایدز و افزایش مبتلایان آن در جامعه جدی است و آن‌چه که اکنون وزارت صحت عامه از شیوع کمتر مبتلایان به این بیماری ابراز خوش‌بینی نموده است، نمی‌تواند ثابت باقی بماند و می‌تواند به یک تهدید بزرگ مبدل شود.

اطلاعات روز: وزارت مالیه ی کشور اعلام کرد که قرار است سه بانک دولتی یک‌جا شوند و یک بانک قوی دولتی به‌وجود آید. به گفته‌ی مسئولان این وزارت، این بانک‌ها شامل پشته‌ی بانک، بانک ملی افغانستان و کابل بانک نو اند. طرح ادغام این سه بانک از سوی وزارت مالیه به ریاست جمهوری پیش‌نهاد شده و اشرف غنی آن را منظور کرده است.

محمد آقا کوهستانی، رییس خزاین وزارت مالیه به بخدمی گفت که برای ادغام این سه بانک، طرح مشخصی برای منظور نهایی آن به شورای اقتصاد

اطلاعات روز: مسئولان اداری مستقل ارگان‌های محل اعلام کردند که والیان جدید شماری از ولایت‌های کشور به‌زودی تعیین می‌شوند. تواب غورزنگ، سخن‌گوی این اداره دیروز به رسانه‌ها در کابل گفت، به سلسله‌ی تعیین والیان جدید، محمد عمر سافی به عنوان والی قندهار گماشته شده است.

قرار است در آینده‌ی نزدیک والیان جدید لوگر، غزنی، بادغیس و هلمند نیز تعیین شوند. این در

ملی ارائه می‌شود. او افزود، وزارت مالیه نقاط قوت و ضعف سه بانک یاد شده را بررسی کرده است و هدف اساسی یک‌جا شدن این بانک‌ها، ایجاد یک

بانک قوی با سیستم پیشرفته است.

او افزود، این بانک در آینده با بانک‌های خصوصی رقابت می‌کند: «بانک نو خدمات بانک‌داری به سطح بین‌المللی را در سه سال آینده به سطح ولسوالی‌ها و در پنج سال آینده به سطح قریه‌ها برای مردم ارائه می‌کند». بانک ملی و پشته‌ی بانک دو بانک دولتی اند که در سال‌های گذشته به‌جز اجرائات دولتی، هنوز مشتریان خصوصی

را جذب نتوانسته‌اند. پس از آن که کابل بانک ورکشکست شد، دولت این بانک را به کابل بانک نو تبدیل کرد و مالکیت آن را در اختیار گرفت. اکنون این بانک اجازه‌ی رقابت در بازارها را ندارد و تنها معاش مأموران دولتی از طریق کابل بانک نو پرداخته می‌شود. با این حال، وزارت مالیه می‌گوید، این سه بانک به شکل پراکنده فعالیت دارند و برخی فعالیت‌های این بانک‌ها به ضرر دولت اند. رییس خزاین وزارت مالیه گفت که برای حل این مشکل، دولت این سه بانک را مدغم و یک بانک قوی که بتواند خدمات بهتری

اداره‌ی ارگان‌های محل:

والیان جدید به‌زودی تعیین می‌شوند

حالی است که چند روز پیش نظیف‌الله سالارزی، سخنگوی رییس جمهور به اسوشیتید پریس گفته بود، اشرف غنی والیان جدید قندوز، بادغیس، ننگرهار و هلمند را در آینده‌ی نزدیک تعیین می‌کند.

اعضای شورای ملی و کارشناسان مسایل سیاسی باور دارند، به دلیل تأخیر در تشکیل کابینه‌ی جدید و عدم تعیین والیان جدید، ناامنی در کابل و شماری از ولایت‌های کشور افزایش یافته است.

راه‌اندازی کمپاین ۶روزه برای کاهش خشونت علیه زنان

سخنگوی سفارت امریکا در کابل گفت که امریکا چندی پیش پروژه‌ی پنج ساله‌ای را برای توان‌مندی زنان افغان راه‌اندازی کرده بود. کمپاین ۱۶ روزه به منظور محو خشونت علیه زنان، به‌شمول افغانستان، در بیست و پنجم ماه نوامبر در شماری از کشورهای دیگر جهان نیز آغاز می‌شود و تا دهم ماه دسامبر سال روان میلادی پایان می‌یابد. کمپاین شانزده روزه برای محو خشونت در برابر زنان در حالی راه‌اندازی می‌شود که هنوز زنان در کشور با انواع خشونت‌ها مواجه اند. هرچند

اتحادیه‌ی ملی کارگران:

تأخیر در تشکیل کابینه‌ی جدید، کارگران را با مشکل مواجه کرده است

او، کم‌کارها کسانی اند که قبلاً روزانه ۸ ساعت کار می‌کردند؛ اما در حال حاضر این افراد در هر هفته ۸ ساعت کار می‌کنند که نگران کننده است.

او افزود، بیکار کسانی اند که تمام روز در چوک‌های شهرها می‌نشینند و شام بدون دست‌مزد به خانه‌های‌شان می‌روند.
قادری تأکید کرد، اکنون یک میلیون کارگر در کشور مصروف کار اند؛ اما کارکنان بخش خصوصی در حالت نوسان و تغییر اند: «کار آنان وابستگی به امنیت دارد، هرگاه امنیت وجود داشته باشد، کار است؛ در غیرآن، کار وجود ندارد». او

رییس کمیسیون شکایت‌های مجلس، متهم به غصب زمین شد

ارزگان به نمایندگی از حدود سه صد تن دیگر گفت که عیبدالله بارکزی یک هزار جریب زمین یکی از باشندگان ارزگان به‌نام حاجی عیبدالله، مشهور به حاجی تیمم را غصب کرده است. او افزود که عیبدالله زمین‌های قبرستانی آن‌ها را در مربوطات ولسوالی چوره این ولایت نیز غصب کرده است. اما عیبدالله بارکزی، رییس کمیسیون شکایت‌های مجلس نمایندگان این

اظهارات را رد کرده و می‌گوید، در این مورد بین دو طرف دعوا بود، وی تنها پادرمیانی کرده است. او اظهارات باشندگان ارزگان را توطئه‌ای برای بدنام ساختنش عنوان کرد و گفت، هیچ گاهی در کارهای اداره‌های حکومتی و غصب زمین در ولایت ارزگان دست نداشته است. با این حال، امان‌الله تیموری، سرپرست ولایت ارزگان در مورد غصب زمین توسط عیبدالله

هشت تن در پیوند به قتل، دزدی و حمل سلاح غیر قانونی بازداشت شدند

وزارت داخله می‌گوید که در پیوند به این قضیه فردی بازداشت نشده، اما تحقیقات پولیس پیرامون شناسایی و بازداشت عاملان آن جریان دارد. در خبرنامه‌ی ارسال‌ی این وزارت آمده است، پولیس کابل به گونه‌ی شبانه‌روزی مشغول مبارزه با جرایم گوناگون به هدف امن‌سازی جامعه است و در این راستا از هیچ‌گونه تلاشی دریغ نمی‌کند.

وزارت مالیه: سه بانک دولتی را مدغم می‌کنیم

را ارائه کند، ایجاد می‌کند. کوهستانی تأکید کرد، با یک‌جا شدن این سه بانک، یک بانک قوی با سیستم پیشرفته ایجاد می‌شود که عواید داخلی دولت را نیز جمع‌آوری می‌کند. وزارت مالیه در نظر دارد که پس از ادغام این سه بانک، مدیریت قوی را در رأس بانک جدید بر اساس رقابت جهانی ایجاد کند، تا امور بانک‌داری را درست مدیریت کند. این طرح در حالی ارائه شد که چندی پیش شماری از کارشناسان مسایل اقتصادی گفتند، برخی‌ها در نظر دارند که کابل بانک جدید را به قیمت ناچیز، یعنی ۲۰ میلیون دالر بخرند.

نامه‌ی سرگشاده به ریاست جمهوری، جناب آقای محمد اشرف غنی

۲ دسامبر ۲۰۱۴
کابل، افغانستان؛ پاریس، فرانسه



خبرنگار واروازی

هادی دریابی

وکلاي مجلس کجايند؟

قانون اساسی تعداد دقیق اعضای مجلس نمایندگان را ۲۴۹ نفر می‌داند. بعد از هر دوره انتخابات پارلمانی، ما یک روز شاهد ادای سوگند وکلای محترم هستیم و آن روز را روز افتتاح پارلمان می‌خوانند. در این روز مبارک، ۲۴۹ وکیل، در محضر رییس جمهور و بد و بلائی دیگر، سوگند وفاداری به قانون، منافع ملی، مصالح موکلان و عزت اسلام عزیز یاد می‌کنند. بعد از چند روز، تلاش‌ها برای انتخاب هیئت اداری شروع می‌شوند؛ در حالی که هنوز دهان‌شان تفت ادای سوگند را می‌دهد، انتخاب رییس پارلمان به مشکل برمی‌خورند. چند نفر خود را برای ریاست کاندید می‌کنند. گلاب به رو، چیز شروع می‌شود. هر یکی از کاندیدای ریاست پارلمان، چه کمپاین و چه هزینه‌ای که نمی‌کنند. این که ریاست پارلمان چه امتیازی دارد، بماند سر جایش؛ اما این که بقیه از انتخاب رییس چه به‌دست می‌آورند، مطرح است. آن‌ها ممکن است به خیلی چیزها برسند و به تنها چیزی که نمی‌رسند، ادای دین‌شان نسبت به موکلان و مردم است. ممکن است به نظر برسد که من فحاشی می‌کنم؛ اما زدویندهای وکلا را در دوره‌های قبلی دیدیم و همان کافی که آقای عبدالرووف ابراهیمی امروز رییس پارلمان افغانستان می‌باشد. نمی‌خواهم به رییس پارلمان توهین کنم و نیز نمی‌خواهم از روی او به موکلانش بی‌احترامی کنم. از او و موکلانش نیز می‌خواهم در این زمینه فرق قابل شوند. به هر صورت، نمی‌خواهم از پارلمان بگذرم. پارلمان جای ۲۴۹ وکیل است، ۲۴۹ نفری که به نمایندگی از تمام مردم افغانستان، روی مشکلات و راه‌چاره‌ها، باید بحث و تبادل نظر کنند. بر اعمال حکومت نظارت بکنند. نگذارند قانونی در این مملکت عزیز و تاج سر ما، نقض شود. مدافع حقوق مردم و قانون باشند. تا جایی که بزرگان مملکت این کشور را از بیخ خراب کرده، می‌توان گفت که پارلمان با ابوه کار و مسئله مواجه است. اما متأسفانه چند سال است که از ۲۴۹ نفر عضو این خانه‌ی ذلت، چلی کم، ۴۹ نفر روزانه تشریف دارند و هیچ کاری هم نمی‌کنند. بقیه‌ی وکلا کجايند؟ مردم به آن‌ها رای داده‌اند که از خانه‌ای به‌نام پارلمان، مراقب منافع و مصالح مردم باشند، یا این که هفته‌ی یک روز هم به مجلس سر نزنند و سر از وزارت‌خانه‌ها برای منصوب کردن دختر خسر یا دختر خاله‌ی‌شان دربیآورند؟ دقیقاً یکی از دلایلی که آقای رییس جمهور وزرای خویش را برای گرفتن رای اعتماد به پارلمان نمی‌فرستد، غیرحاضری گله‌ای وکلا می‌باشد. رییس اجرایی نیز در این قسمت با رییس جمهور موافق است و از ارسال وزیران خویش خودداری می‌فرماید. بعد آقای رییس مجلس هر روز از تلویزیون داد می‌زند که سرپرست‌های وزارت‌خانه‌ها غیرقانونی و نامشروع اند و حکومت باید نامزدوزیران خویش را به مجلس معرفی بکند. حالی او رییس صاحب پارلمان، قربان همو ادبیات شوم که مثل موت‌های کهنه‌ی روسی هر لحظه روشن و خاموش می‌شود، اگر این قدر نگران قانون و مشروعیت امور و شخصیت‌های کشور هستی، تو را به مشروعیت شخصی خودت قسم، یکبار از این وکلای نامحترم که هر روز غیرحاضری می‌کنند، پرس که مشروعیت این وکلا و در کل مشروعیت پارلمان از کجا می‌آید؟ خیر است یک روز به‌جای فریاد کشیدن سر رییس جمهور، از طریق تلویزیون به ما بگو که وکلای محترم خانه‌ی خاله‌ی‌شان رفته، به‌زودی دوباره به مجلس برمی‌گردند. شاید ما قبول کنیم که بلی، ما پارلمان داریم، پارلمان ما وکیل دارد، وکیل ما خاله دارد، خاله‌اش خانه دارد، خانه‌اش راه دارد، راهش دراز است، بناءً یک هفته می‌گذرد تا مراسم رفتن به خانه‌ی خاله و برگشتن از خانه‌ی خاله انجام شود. اما تا جایی که با وکیل شدن، غیرت آدم چند برابر می‌شود، بناءً خانه‌ی خاله رفتن هم منتفی است. شاید شما فکر کنید که وکلا این روزها مصروف چانه‌زنی با حکومت اند، این که به کدام وزیر رای اعتماد بدهند، به کدام ندهند، چه مقدار پول از طرف حکومت گیرشان می‌آید و چه مبلغی را نامزدوزیران احتمالی پیش‌نهاد می‌کنند. ممکن است حق با شما باشد، ممکن است با شما نباشد. اگر حق با شما باشد، که با شماست، اما اگر با شما نباشد، با کیست؟ بعضی از نخبگان جامعه می‌گویند، حق با کاروان افغانستان به لندن رفته تا در نشست وزرای خارجه‌ی کشورهای عضو ناتو شرکت نماید. برای اثبات این ادعا، نخبه‌ها دلیل دارند. دلایل این است: وقتی کاروان افغانستان به لندن رسید و در مقر مورد نظر لنگر انداخت، یکی از بی‌عقل‌های جهان وقتی هردو داکتر ما را دید، پوزخند زد و گفت، کدام داکتر دیگر نداشتید که همراه خود می‌آوردید؟ کدام‌تان رییس جمهور و مسئول این سفر هستید و کدام‌تان برای دکور هیئت تشریف آورده‌اید؟ چون ما فقط با یکی کار داریم. اما یکی از داکتران ما گفت: برادر انگلیسی! آیا گاهی شنیده‌ای که بعضاً زنان دوقلو، سه‌قلو، چهارقلو و حتا ۱۱قلو می‌زایند؟ آن مرد گفت، بلی، شنیده‌ام؛ اما چه ربطی به دونه‌ی آمدن شما دارد؟ داکتر دیگر گفت: مادر انتخابات کشور ما، دوقلو زاییده! ما فعلاً دوقلوی سیاست افغانستان هستیم و با هم وحدت ملی را به نمایش می‌گذاریم. آن ابله قناعت کرد و دست از بهانه‌تراشی برداشت. چیز دیگری که حضور حق را در قالب کاروان افغانستان ثابت می‌کند، این است که هتل‌های لندن پر از مهمان افغانستانی شده، این که هزینه‌ی هر فرد در جریان این سفر چند می‌شود و حضور هر یک چقدر به‌جاست، بماند تا برگشتن کاروان ما از سفر؛ اما فعلاً باید روی وکلای غیرحاضر، فکر کنیم و تلاش کنیم درجه‌ی حیای این وکلا را بالا ببریم!

گسترده برای مبارزه با بی‌سوادی، به‌ویژه در میان زنان و دختران به اجرا بگذارد. این برنامه باید اجباری ساختن تحصیل در مقاطع ابتدایی و متوسطه، دسترسی تمامی شهروندان به مکتب، لیس، دانشگاه و خوابگاه، پشتیبانی از خانواده‌هایی که دختران‌شان را به مکتب می‌فرستند، جلب کمک‌های بین‌المللی و فعالیت برای افزایش آگاهی وسیع در این زمینه را در صدر اولویت‌های کاری خود قرار دهد.

سیاست‌ها و مشوق‌های مؤثری برای قابل دسترس بودن مکتب‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز کارآموزی برای زنان و تشویق کارفرمایان برای استخدام و انتصاب زنان تحصیل کرده در تمام سطوح در پیش بگیرد؛ اجرای ماده‌ی ۵۲ قانون اساسی را که دولت را موظف به تأمین امکانات دسترسی کامل به صحت جسمی و روانی برای زنان و کودکان در تمام نقاط کشور می‌سازد، تضمین کند.

۳- علی‌رغم شجاعت و تعهد زنانی که در انتخابات محلی نامزد شدند و در شوراهای ولایتی موفق عمل کردند، قانون جدید انتخابات، کرسی‌های زنان در شوراهای ولایتی و ولسوالی را از ۲۵ درصد به ۲۰ درصد کاهش داده است. به علاوه، این قانون در انتخابات شوراهای ولسوالی‌ها سهمیه‌ای برای زنان در نظر نگرفته است. این فقدان حمایت از نمایندگی زنان، علاوه بر ربودن و کشتار زنجیره‌ای و هدف‌مند زانی که در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی فعال اند، نداشتن قدرت اجرایی وزارت امور زنان، عدم تحقق اهداف پلان کاری ملی برای زنان افغانستان (NAPWA) و استراتژی انکشاف ملی افغانستان (ANDS)، نشانه‌ی نگران‌کننده‌ای از فقدان پشتیبانی از مشارکت زنان در حکومت‌داری است.

در واکنش به این مسئله، دولت افغانستان باید: اختیارات و امکانات وزارت امور زنان را گسترش دهد تا اختیار توسعه و اجرای سیاست‌ها در تمام زمینه‌ها؛ مثل اطمینان از رسیدگی به نیازهای اجتماعی و آموزش زنان در افغانستان و تعیین و رعایت سهمیه برای زنان در انتخابات پارلمانی و انتخابات دیگر را در بر بگیرد؛ عوامل و آمران کشتار و ربودن زنان فعال در عرصه‌های دولتی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را مورد پیگرد قانونی قرار دهد؛

اجرای کامل پلان کاری ملی برای زنان افغانستان (NAPWA) و استراتژی انکشاف ملی افغانستان (ANDS) را تضمین کند.

۴- خروج نیروهای بین‌المللی از افغانستان و کاهش کمک‌های بین‌المللی به گسترش فعالیت‌های طالبان به ساحات تقریباً امن در شمال کشور و افزایش شمار کشته شدگان ملکی به دلیل رشد عملیات تروریستی و ناامنی عمومی انجامیده است. زنان... ادامه در صفحه ۴

افغانستان قانون منع خشونت علیه زنان، به عنوان یک قانون خاص، در قوانین عمومی ادغام نخواهد شد و به عنوان یک قانون مستقل به قوت خود باقی خواهد ماند؛ در هماهنگی با دادگاه عالی و دادستانی کل، اجرای قانون منع خشونت علیه زنان را تقویت و تضمین کند؛ تصویب قوانین را در حمایت از برابری زن و مرد، که قوانین افغانستان را با کنوانسیون‌های بین‌المللی مورد تصویب افغانستان سازگار کنند، در اولویت کاری خود قرار دهد، به‌ویژه قوانینی که حقوق برابر در ازدواج، طلاق، حضانت کودک، مالکیت و ارث را تضمین می‌کنند؛ اقداماتی مؤثر برای پایان دادن به دادگاه‌های سیار عنعنوی و نظام عدلی غیررسمی انجام دهد و دسترسی کامل و مؤثر زنان را به نظام رسمی عدلی تضمین کند و عاملان خشونت علیه زنان را مورد پیگرد قانونی قرار دهد؛

اقدام‌های عملی برای مبارزه با فساد اداری در قوه‌ی قضائیه و پیامد آن که عدم اطمینان مردم به سیستم عدلی کشور است، انجام دهد، به‌ویژه با پاسخ‌گو ساختن مسئولان و قاضیان فاسد در سطح عمومی، ایجاد مکانیزم‌های مؤثر نظارت و ارائه‌ی آموزش با کیفیت به قاضیان و مسئولان؛ اقداماتی برای تسهیل مشورت و همکاری با زنان، سازمان‌های جامعه‌ی مدنی و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (AIHRC) برای تهیه‌ی گزارش‌های دولت به نهادهای سازمان ملل، هم‌چون کمیته‌ی رفع تبعیض علیه زنان (CEDAW) و تضمین اجرای مؤثر توصیه‌های کارشناسان مسئول سازمان ملل، مثل گزارشگر ویژه‌ی خشونت علیه زنان ایجاد کند؛

با صدور رهنمود برای تمام رسانه‌های خصوصی و دولتی برای پخش برنامه‌های آموزشی در زمینه‌ی ترویج برابری جنسیتی، اقدامات مؤثری را برای تشویق احترام به برابری جنسیتی و الغای تبعیض جنسیتی در جامعه و فرهنگ در دستور کار خود قرار دهد. پروتوکول اختیاری کنوانسیون محو تمام اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW) را به تصویب برساند و اطمینان حاصل کند که قوانین کشور در سازگاری با مقررات این کنوانسیون باشند.

۲- تبعیض و خشونت علیه زنان با بی‌سوادی گسترده در میان ۹۰ درصد از زنان جامعه، عدم دسترسی آنان به تعلیم و تربیه در سطوح مختلف، عدم دسترسی به بهداشت و درمان با کیفیت و مرگ‌ومیر بالای مادران تحکیم می‌شود.

در واکنش به این مسئله، دولت افغانستان باید: بر اساس ماده‌ی ۴۳ قانون اساسی که مقرر می‌دارد، «دولت مکلف است به منظور تممیم متوازن معارف در تمام افغانستان، تأمین تعلیمات متوسطه‌ی اجباری، پروگرام مؤثر طرح و تطبیق نماید و...» برنامه‌ای

رییس جمهوری، جناب آقای محمد اشرف غنی! به مناسبت کنفرانس لندن در باره‌ی افغانستان به تاریخ ۳ و ۴ دسامبر ۲۰۱۴ که مطمئناً وضعیت حقوق بشر در افغانستان در آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت و بر اساس توانایی دولت شما به تعهد در زمینه‌ی بهبود وضعیت حقوق بشر برای تمام مردم افغانستان، تمویل کنندگان بین‌المللی تصمیم‌هایی برای ادامه‌ی تمویل و پشتیبانی مالی اتخاذ خواهند کرد، از این فرصت استفاده می‌کنیم تا بعضی از مسائلی را که از نظر سازمان‌های ما در فعالیت به منظور حمایت از حقوق بشر و پیشبرد آن در افغانستان اساسی هستند، مطرح کنیم.

چهار دهه جنگ در افغانستان به ناامنی، بی‌ثباتی سیاسی، نبود حاکمیت قانون و رواج خشونت و فقر منجر شده است. این مشکلات شرایط رشد بسیاری از اشکال خشونت، به‌ویژه تبعیض و خشونت علیه زنان، را فراهم کرده‌اند. نقض فاحش حقوق زنان در چند دهه‌ی گذشته در حاکمیت دولت‌های مختلف، موانع جدی در راه پیشرفت افغانستان ایجاد کرده است و ما بر این باوریم که دولت شما با جدیت به این مسئله توجه و برای رسیدگی به دلایل اصلی آن فعالیت خواهد کرد.

ما با تأکید از شما می‌خواهیم به‌صورت جدی در این مسیر با جامعه‌ی مدنی و مدافعان حقوق بشر افغانستان در تماس باشید؛ چون آن‌ها در این مبارزه به‌خاطر رسیدن به افغانستانی صلح‌جو و عادل، متحدان اصلی شما هستند. تأکید می‌کنیم که در مبارزه با خشونت و تبعیض اراده‌ی قوی سیاسی و تعهد بلندمدت ضروری است. برای این کار، درگیر شدن و فعالیت جامعه‌ی مدنی بهره‌مند از منابع کافی، حمایت و آزادی حمایت از حقوق مردم افغانستان الزامی است. سازمان‌های ما به حمایت از این تحولات در افغانستان متعهد اند و آماده‌اند با دولت شما از نزدیک برای دستیابی به اهداف مشترک توسعه و صلح در کشور همکاری کنند. بنابراین، مایلیم توجه شما را به مسائلی اساسی حقوق بشری زیر جلب کنیم و جامعه‌ی بین‌المللی را به پشتیبانی از شما برای تحقق توصیه‌های مطرح در زیر تشویق کنیم.

۱- گزارش‌های رو به افزایشی از خشونت علیه زنان منتشر می‌شوند که نشان می‌دهند این خشونت در اثر کوتاهی پارلمان از تصویب قانون منع خشونت علیه زنان (که با فرمان ریاست جمهوری جاری است) و معافیت از مجازات در اثر عدم دسترسی زنان به نظام رسمی عدلی تشدید شده است.

در واکنش به این مسئله، دولت افغانستان باید: تمام قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان در مجموعه‌ی قوانین مدنی مصوب سال ۱۳۳۵ و جزایی افغانستان، به‌ویژه در زمینه‌ی ازدواج، مالکیت، قوانین عنعنوی تبعیض‌آمیز و قانون احوال شخصیه‌ی اهل تشیع را لغو کند؛ اطمینان دهد که در بازبینی و تعدیل قوانین جزایی



مدی زرتشت

مسکو افغانستان در نگاه

ائتلاف افغانی پرچمش را به اهتزاز درمی آورد

نویسنده: سرگئی ستروکان
منبع: روزنامه‌ی روسی زبان «کومرسانت»

نیروهای بین‌المللی کمک به امنیت در افغانستان (ISAF) در روزهای اخیر مأموریت نظامی خود در این کشور، با واگذار کردن کمپ نظامی باستین و کمپ نظامی ملوان به نیروهای امنیتی افغان، یک اقدام کلیدی را انجام دادند. پس از سیزده سال حضور رسمی سربازان بریتانیایی و تفنگ‌داران دریایی ایالات متحده‌ی آمریکا در این دو کمپ، اکنون با واگذار کردن این دو پایگاه استراتژیک نظامی به نیروهای امنیتی افغانستان، مأموریت نظامی دو کشور رسماً پایان می‌یابد. نتایج حضور و عملیات نظامی آن‌ها در طول این مدت، در تمام ارزیابی‌ها متناقض است. با وجود هزینه‌های هنگفتی که در جنگ افغانستان به مصرف رسید، اما ائتلاف به رهبری آمریکا در جنگ با طالبان و ناپودی آن‌ها، با شکست مواجه شد و اکنون که موعد خروج نیروهای آیساف از افغانستان فرارسیده است، طالبان نیز برای بازگشت به قدرت خود را آماده می‌کنند.

مراسم رسمی واگذاری دو بزرگ‌ترین کمپ نظامی نیروهای آمریکایی و بریتانیایی به نیروهای امنیتی افغان در ولایت نازارام هلمند، در ۲۶ اکتبر سال جاری برگزار شد. پس از آن در دو پایگاه‌های نظامی باستین و ملوان پرچم‌های ایالات متحده و بریتانیا پایین کشیده شدند و به جای آن، پرچم افغانستان از سوی نیروهای امنیتی این کشور برافراشته شد و اکنون مأموریت نیروهای نظامی بریتانیا و نیروهای دریایی ایالات متحده در جنوب نازارام افغانستان، رسماً پایان یافته است.

در مراسم واگذاری مسئولیت‌های امنیتی به نیروهای افغان، شیر محمد کریمی، رییس ستاد ارتش افغانستان از نیروهای خارجی که با به خطر انداختن جان‌هایشان، در مناطق ناامن افغانستان فعالیت کردند، قدرانی کرد و افزود که «ما دوستی خود را حفظ خواهیم نمود، اما خوشحالیم که آن‌ها می‌توانند به خانه‌ی خود بازگردند.» جنرال جان کمپبل، فرمانده کل نیروهای نظامی آمریکا در افغانستان، خلاصه‌ی نتایج عملیات را در این منطقه‌ی جنگی چنین توصیف می‌کند: «ولایت هلمند محل ویژه و خطرناک بود. امروز در افغانستان همه چیز خیلی متفاوت‌تر از قبل است و با گذشت هر سال، وضعیت به‌سوی بهبودی پیش می‌رود.»

کمپ‌های ملوان و باستین در یک منطقه‌ی واحد نظامی حدود سه هزار هکتار زمین را احتوا می‌کنند؛ شهرک کوچک به‌صورت خاص با زیرساخت مجهز و قوی، دارای مرکز بازرگانی از بازداشت‌شدگان و دارای آشپزخانه و کافه. از مجموعه‌ی ۱۴۰ هزار نظامی نیروهای ائتلاف در افغانستان، تنها در این دو پایگاه نظامی، حدود ۴۰ هزار سرباز آمریکایی و سربازان بریتانیایی مستقر شدند. کمپ باستین برای نیروهای ائتلاف و نیروهای ناتو در هلمند حیثیت فرماندهی عملیات مهم را داشت و از سال ۲۰۱۰ این منطقه‌ی جنگی شدیدترین صحنه مبارزه با طالبان بود. به‌خاطر بسپاریم، علاوه بر این که این منطقه‌ی جنگی (هلمند) دژ سنتی جنبش طالبان محسوب می‌شود، مرکز اصلی تولید تریاک در افغانستان نیز است و این نام، در تمام جهان شناساست.

این که پس از واگذاری مسئولیت امنیتی به دوش نیروهای افغان چه آینده‌ای برای کمپ ملوان و کمپ باستین در پیش است، هم‌چنان نامشخص است. با این حال، نمی‌توان شک برد که قدرت آن‌ها مطابق آن‌چه است، استفاده نخواهد شد. یک پاسگاه مرزی آمریکا و ناتو در هلمند وجود دارد که به احتمال زیاد به «شهر ارواح» نظامیان بدل می‌شود.

در طول عملیات فعال نظامی در افغانستان در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱- دور اول ریاست جمهوری رییس‌جمهور اوباما- در حدود هشت پایگاه نظامی در جنوب وجود داشت. پس از ۳۱ دسامبر سال جاری، در حدود ۳۰ پایگاه نظامیان خارجی باقی خواهد ماند. بعد از تاریخ نامبرده، تعداد نیروهای نظامی خارجی به ۱۲ هزار و ۵۰۰ نفر کاهش پیدا می‌کند که تعداد بیش‌تر آن‌ها عملاً در جنگ و عملیات علیه طالبان حضور نخواهند داشت و این تعداد نظامیان بیش‌تر در دو بخش فعالیت خواهند داشت: آموزش نیروهای امنیتی افغانستان و مشوره‌دهی در انجام عملیات ضدتروریستی. تعداد کل نیروهای نظامی آمریکا در این کشور پس از پایان سال جاری به ۹۸۰۰ تن خواهد رسید و ۵۰۰ سرباز دیگر نیز از بریتانیا خواهند ماند.

در ارتباط به خروج یا محدود شدن نیروهای آیساف در افغانستان، دیمیتری پولیکانوف، معاون رییس‌جمهور روسیه به روزنامه‌ی «کومرسانت» گفت که «خروج نیروهای ائتلاف از افغانستان، از وقت‌ها پیش آغاز شده است. چه آن که آن‌ها بودند و چه آن که آن‌ها خواهند بود؛ اما سوال‌های زیادی در ارتباط به مأموریت استراتژیک آن‌ها وجود دارند.» به اعتقاد او، «علاوه بر حفظ دولت مرکزی کابل و از بین بردن اسامه بن لادن، رهبر القاعده، نظامیان خارجی از خود شایستگی بیش‌تری نشان ندادند.» آقای پولیکانوف می‌افزاید: «شکست القاعده و طالبان چیزی بود که اتفاق نیافتاد- هر دو سازمان اکنون وجود دارند و به حد کافی هم قدرت‌مند اند. صادرات مواد مخدر نیز به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است.» به باور او، «آموزش و تجهیز نیروهای امنیتی افغانستان، یک دست‌آورد مهم به حساب می‌آید، اما این که آیا آن‌ها به دولت مرکزی وفادار خواهند بود یا نه؟ یک سوال بزرگ است.»

آقای پولیکانوف معتقد است، «در حال حاضر افغانستان تحت حمایت است، اما آینده‌اش تحت سوال. به‌ویژه هنگامی که طالبان افراطی «داستان موفقیت»‌شان را در صفحات نزدیک و حمایت با «دولت اسلامی» در سوریه و عراق، به بازخوانی بگیرند.»



جیمز کینینگهام

باید وضعیت «بزرگ‌ترین اقلیت جهان» تغییر کند (به مناسبت روز بین‌المللی معلولان)



ایالات متحده پیشرفت‌های دولت افغانستان را در زمینه بهبود وضعیت اشخاص دارای معلولیت تمجید و ستایش می‌کند. افغانستان در سال ۲۰۱۰ قانون حقوق و امتیازات اشخاص دارای معلولیت را به تصویب رساند و در سال ۲۰۱۲ کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت را امضا نمود و عضویت آن را کسب کرد. با همکاری با سازمان‌های متعدد غیردولتی، وزارت کار، امور اجتماعی، شهردار و معلولین گام‌های بزرگی را در جهت رفع نیازمندی‌های اساسی افغان‌های دارای معلولیت، مانند تهیه ویلچر، زینه‌های هموار، آموزش‌های حرفه‌ای و کمک‌های طبی برای افراد دارای معلولیت برداشته است. ایالات متحده از دولت افغانستان می‌خواهد، تلاش‌هایش را در راستای از بین بردن موانعی که اشخاص دارای معلولیت با آن مواجه‌اند، ادامه دهد، تا جامعه به‌طور کل ترقی نماید. زدودن موانع مذکور باعث توان‌مندتر شدن اشخاص دارای معلولیت می‌شود و افکار و اندرزی آنان برای ساختن جامعه مؤثر خواهد بود. امسال، تجلیل از روز بین‌المللی معلولان فرصت مهمی برای افغانستان و جهان است تا از حفظ کرامت، حقوق و رفاه اشخاص دارای معلولیت حمایت و پشتیبانی صورت بگیرد و سهم ارزش‌مند آن‌ها در امور مربوطه‌ی جامعه مورد تقدیر و تمجید قرار گیرد.

و تعدادی دیگر از کشورهای جهان در صدد ارتقای درک بیش‌تر مسایل مرتبط با معلولیت‌اند و برای حمایت از حفظ کرامت، حقوق و رفاه اشخاص دارای معلولیت و سهم‌گیری و حضور متداوم آنان در امور اجتماعی، تلاش می‌ورزند.

در حالی که هیچ‌گونه آمار دقیق از تعداد اشخاص دارای معلولیت در افغانستان وجود ندارد، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در سال ۲۰۱۳ تقریباً ۲۰ درصد خانواده‌های افغان را دارای یک شخص معلول برآورد نموده است. اکثریت این اشخاص را قربانیان جنگ‌های خشونت‌آمیزی تشکیل می‌دهند که ۳۰ سال گذشته‌ی تاریخ افغانستان را به‌خود اختصاص داده‌اند. اما سایر معلولیت‌ها ناشی از امراض و حوادث‌اند یا کسانی‌اند که معلول به دنیا آمده‌اند.

افزایش دسترسی و مشارکت وقت‌زادی را در برمی‌گیرد. به‌طور مثال، ۲۴ سال قبل، ایالات متحده قانون اشخاص دارای معلولیت را تصویب و توشیح نمود، که در برگیرنده‌ی حقوق آمریکاییان دارای معلولیت در سفر، مطالعه و کار آبرومندانه و احترام برای آنان بود. اکنون آمریکاییان دارای معلولیت بیش‌تر از هر زمان دیگر در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، علمی، اجتماعی و فرهنگی سهمیم هستند.

آیا ممکن است ویلچر در رهرو گشت‌وگذار کند؟ آیا دسترسی به حمام امکان دارد؟ آیا مکان‌های مسکونی زینه‌ی هموار دارند؟ این‌ها همه پرسش‌هایی‌اند که به ذهن ما خطور می‌کنند؛ اما متأسفانه دسترسی به این سهولت‌های عمومی که ما از آن استفاده می‌کنیم، برای همگان ممکن نیست.

بر علاوه‌ی موانع فیزیکی، معلولان در سطح اجتماع با نگرش منفی و بدتر از همه با تبعیض نیز روبه‌رو‌اند. بدون همکاری و حمایت دولت، اشخاص دارای معلولیت نمی‌توانند دسترسی برابر به خدمات گوناگون؛ مانند تعلیم و تربیه، فرصت استخدام، مراقبت‌های صحتی، ترانسپورت، مشارکت سیاسی و عدالت داشته باشند. در نتیجه، جامعه از درخشش آن‌ها در عرصه‌های گوناگون، کوشش و تلاشی که آنان دارند و سهم‌گیری آنان در امور اجتماعی، محروم می‌ماند. اگر ما به ادامه‌ی همین وضعیت راضی باشیم، در محرومیت «بزرگ‌ترین اقلیت جهان» سهمیم هستیم. ما باید وضعیت را تغییر دهیم و می‌توانیم تغییر دهیم.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد سوم دسامبر را روز بین‌المللی اشخاص دارای معلولیت نام‌گذاری کرده است. تقریباً ۱۵ درصد نفوس جهان امروزی با نوعی از معلولیت زندگی می‌کنند. امروز، افغانستان، همراه با ایالات متحده

نامه‌ی سرگشاده به ریاست جمهوری،...

قوانین ملی افغانستان را با اساس‌نامه‌ی رُم سازگار کند؛ از بودجه‌ی کشور منابع کافی برای حمایت از برنامه‌ی عمل در زمینه‌ی عدالت، صلح و مصالحه تخصیص دهد و فوری فعالیت‌هایی با هدف تحقق برنامه‌ی عمل در زمینه‌ی عدالت، صلح و مصالحه را در دستور کار فوری خود قرار دهد؛ احترام به قربانیان جنگ که نیم آنان زنان هستند و حمایت از آنان را، از جمله با احیای برنامه‌ی عدالت انتقالی و برنامه‌های جبران خساره برای قربانیان و نیز به رسمیت شناختن حقوق قربانیان برای دسترسی به عدالت، التیام و جبران خساره‌ی آنان، تضمین کند؛

ما با تأکید از شما می‌خواهیم در تشکیل دولت خود و انتصاب وزیران و مسئولان دیگر این مسایل مهم را در نظر بگیرید. ما هم‌چنین اطمینان داریم که جامعه‌ی بین‌المللی در اصرار بر حمایت و ترویج حقوق بشر برای زنان و مردان افغانستان به عنوان اولین اولویت دولت تازه‌ی افغانستان به سازمان‌های ما و جامعه‌ی مدنی افغانستان خواهد پیوست. سازمان‌های ما برای پشتیبانی از کوشش‌های شما در این زمینه در خدمت شما هستند.

با احترام

فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر (FIDH)
بنیاد آرمان‌شهر / OPENASIA (عضو FIDH در افغانستان)

۵- تداوم معافیت از مجازات، کوتاهی از برقراری پاسخ‌گویی برای جنایت‌های گذشته و حال و بی‌اعتنایی به درخواست عدالت میلیون‌ها قربانی خشونت، به چرخه‌ی مداومی از خشونت و بی‌اعتمادی عمومی به هرگونه ابتکار مصالحه و صلح در افغانستان منجر شده است. تجربه‌ی کوشش‌های مربوط به مصالحه بین مسئولان بلندپایه‌ی دولتی و بعضی از گروه‌های مسلح در کشور در چند دهه‌ی گذشته پیامدهای زیان‌بار روی کرده‌های کوتاه‌اندیشانه‌ی «صلح قبل از عدالت» را نشان داده است. گسترش ناامنی در کشور و مخالفت آشکار گروه‌های مسلح با اساسی‌ترین حقوق بشر موجود در قانون اساسی افغانستان به‌روشنی نشان می‌دهد که صلح پایدار در افغانستان با الغای معافیت از مجازات و احترام به حاکمیت قانون تأمین خواهد شد.

در واکنش به این مسئله، دولت افغانستان باید: فوری قانون عفو عمومی را لغو نماید؛ اطمینان حاصل کند که اشخاصی که به‌طور معتبری متهم به ارتکاب نقض فاحش حقوق بشر یا جنایت‌های جنگی هستند، از دست‌یابی به مقام‌های دولتی باز بمانند و در دادگاه صالح محاکمه شوند؛ توصیه‌های مطرح شده در رسیدگی ادوار عمومی سازمان ملل در جنوری ۲۰۱۴ در باره‌ی وضعیت حقوق بشر در افغانستان و تقویت حاکمیت قانون را به اجرا درآورد؛

و کودکان اغلب قربانیان اصلی حملات شورشیان به غیرنظامیان هستند. طالبان هنوز غیرنظامیان را هدف حمله قرار می‌دهند و حاضر نیستند به حقوق زنان که در قانون اساسی افغانستان مقرر شده و حق قربانیان جنایت‌ها به دست‌یابی به عدالت، احترام بگذارند.

در واکنش به این مسئله، دولت افغانستان باید: گفت‌وگو با هیچ گروه مسلحی را که به شرایط تعیین شده در توافق‌نامه‌های بُن، به‌ویژه حقوق زنان و برابری جنسیتی به شرح قانون اساسی افغانستان احترام نگذارد، نپذیرد؛ حضور برابر، مؤثر (و نه تنها سمبولیک) زنان را در تمامی مراحل گفت‌وگوهای صلح، بر اساس قطع‌نامه‌ی ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل در باره‌ی زنان، صلح و امنیت تضمین نماید؛

از توانایی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان برای مشارکت در تمام پروسه‌های صلح‌سازی با تضمین استقلال آن، تضمین دسترسی آن به مکانیزم‌های بین‌المللی و انتصاب افراد شایسته و دارای صلاحیت اخلاقی و حرفه‌ای، اطمینان حاصل کند؛

گزارش مشروح «ترسیم منازعه» کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را در اختیار عموم قرار دهد و با جامعه‌ی مدنی در باره‌ی روش توجه به مسایل مشروح در گزارش مشورت کند.

افغانستان عراق نیست... از مردمش پرسید

کارل ایکن بیری، سفیر پیشین ایالات متحده در افغانستان
منبع: فارین پالیسی
برگردان: جواد زاولستانی



در این اواخر ناکامی بزرگ دخالت ایالات متحده در عراق آشکار شد و سبب شد که ناظران بیرونی تصور کنند که کاهش سریع نیروهای نظامی بین‌المللی در افغانستان، آشفتگی مشابهی را در این کشور در پی خواهد داشت.

احمد رشید، صاحب‌نظر شناخته‌شده در باره‌ی مسایل امنیتی افغانستان و نویسنده‌ی کتاب مشهور طالبان، در این اواخر در صفحه‌ی دیدگاه نیویورک تایمز نوشت که طرح خروج نیروهای ایالات متحده که در سال ۲۰۰۹ ریخته شد، «کنون به شکل فاجعه‌باری اشتباه ثابت می‌شود.» سناتور جان مک‌کین و لیدزی گراهام دو ماه پیش هشدار دادند: «اگر رییس‌جمهور اشتباهی را که در عراق مرتکب شد، تکرار کند و تمام سربازان را بر اساس یک تقویم و تاریخ معین از افغانستان بیرون کند، ترس ما آن است که اشتباهی مشابه آن‌چه ما در عراق دیده‌ایم، رخ بدهد.»

اما سروی ۲۰۱۴ بنیاد آسیا از مردم افغانستان که به‌تازگی نشر شده است، نشان می‌دهد که با آن که مردم افغانستان نگران آینده‌ی کشورشان هستند، به هیچ‌وجه با بدبینی عمیقی که پیش‌گویان خارجی از روز پایانی افغانستان دارند، هم‌نوا نیستند. این پیش‌گویان خارجی با قطعیت اظهار نظر می‌کنند که تنها با تفاوت زمانی، فاجعه‌ای که در امتداد رودخانه‌ی فرات اتفاق افتاده، در امتداد رودخانه‌ی کابل نیز اتفاق خواهد افتاد. با مقایسه‌ی نگرش مردم افغانستان و عراق روی مسایل کلیدی سیاسی، امنیتی و اقتصادی، می‌توان توضیح داد که چرا مردم افغانستان با صاحب‌نظران خارجی هم‌نوا نیستند.

سروی سالانه‌ی بنیاد آسیا، نخست در سال ۲۰۰۴ و کمتر از سه سال پس از سرنگونی طالبان انجام شد. سروی این بنیاد، گسترده‌ترین و از نگاه زمانی طولانی‌ترین سروی نگرش‌ها و دیدگاه‌های مردم افغانستان است که امسال شامل مصاحبه با بیش از ۹۰۰۰ شهروند از ۳۴ ولایت این کشور می‌شود. با آن که نظرسنجی واحد به‌طور مشابه از مردم عراق وجود ندارد، سروی‌های متعددی که از سال ۲۰۰۳ به این سو انجام شده، به ما زمینه‌ی تحلیل قابل اعتماد از آن کشور را فراهم می‌کنند. با مقایسه‌ی نتایج، سه تفاوت در این دو کشور برجسته می‌شوند. نخست، اعتماد مردم افغانستان به نیروهای امنیتی (ارتش و پولیس) این کشور خیلی بالاتر از اعتماد مردم عراق به نیروهای امنیتی‌شان است. ۸۶ درصد مردم افغانستان که در نظرسنجی امسال بنیاد آسیا با آن‌ها مصاحبه شده است، گفته‌اند که به نیروهای ارتش ملی اعتماد دارند و ۷۳ درصد دیگر به نیروهای پولیس این کشور اعتماد نشان داده است. درجه‌ی اعتماد مردم مرتبط به سطح خشونت در محل زندگی‌شان است؛ اما به‌صورت عموم، مطلوب و در حال بهبود در سراسر کشور است.

در سوی دیگر در عراق، یک نظرسنجی که در ماه می ۲۰۱۴ توسط شرکت تحقیقاتی دی سه (D3 Systems) انجام و در ماه جون نشر شد، نشان می‌دهد که فقط ۴۰ درصد مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند که کار نیروهای ارتش و پولیس آن کشور در تأمین امنیت آنان، خوب است. برعلاوه آن، در پاسخ گروه‌های قومی آن کشور تفاوت‌های فاحشی وجود دارند: عرب‌های شیعه ۵۷ درصد، کردها ۳۸ درصد و عرب‌های سنی ۱۴ درصد.

حکومت افغانستان، ایالات متحده و ائتلاف نظامی جامعه‌ی بین‌المللی از اوایل سال ۲۰۰۱ تا کنون به ساختن نیروهای ملی امنیتی افغانستان که متشکل از تمام اقوام افغانستان باشد، متعهد مانده‌اند، بر حساب‌دهی تأکید داشته‌اند و در مقابل خواست‌های سیاسی مقطعی برای ساختن شبه‌نظامیان محلی بزرگ‌تر مقاومت کرده‌اند. در عراق این امر خطیر، به شکل کشنده‌ای با غفلت مواجه و ارتش عراق پیش از وقت تنها گذاشته شد. گروه به اصطلاح بیداری الانبار ده‌ها هزار شبه‌نظامی سنی را بیرون از ارتش عراق بسیج کرد و نیروهای امنیتی پیش‌مرگه‌ی کرد که از زمان سرنگونی صدام حسین نیمه‌خودمختار بودند، قدرت گرفتند. پیامد این تصور که نیروهای ارتش عراق ملی اند، در ماه جون گذشته وقتی آشکار شد که کمتر از ۱۰۰۰ تن نیروی دولت اسلامی (داعش) نیروی ارتش عراق را که سی برابر آن‌ها بود، شکست داد.

مردم وقتی احساس امنیت می‌کنند که به نیروی گماشته شده به منظور حفظ امنیت‌شان اعتماد داشته باشند. نیروهای ارتش و پولیس افغانستان تا کنون بخش کمی از این اعتماد را به‌دست آورده‌اند. اما قاطعانه می‌توان گفت که نیروهای عراق نتوانسته‌اند.

دوم، در حالی که تقریباً تمام مردم افغانستان قربانی فساد دولتی و اجتماعی اند (۶۲ درصد مردم افغانستان این را مشکل اصلی زندگی روزانه‌ی‌شان می‌دانند)، در سال جاری، ۷۵ درصد آنان گفته‌اند که حکومت ملی‌شان خوب یا خیلی خوب کار می‌کند و در حدود دو-سوم آنان اظهار کرده‌اند که اداره‌های حکومتی ولایت‌شان خوب کار (۶۷ درصد) می‌کنند. این دیدگاه در مورد شهرداری‌ها ۵۸ درصد و در باره‌ی شهرستان‌ها/ولسوالی‌ها به ۵۶ درصد خوب گزارش شده است. بار دیگر، نگرش مردم عراق نسبت به حکومت‌شان خیلی فرق دارد. نظرسنجی‌ای که پیش‌تر

چهارگلد

یادداشت‌های سخیداد هاتف

دور پنجاه و نهم

رییس‌جمهور و رییس اجرائیه سرانجام توافق کردند که این چیزی که آن‌ها بر سرش نشسته‌اند، دولت است و چرخ دولت باید بچرخد. این دو نفر، گفته می‌شود و گناهش به گردن گوینده، سر هفده وزارت‌خانه توافق کرده‌اند. همینش هم خیلی حرف است. البته نباید هیجان‌زده شد. می‌دانیم که به این سادگی نیست. همین روزها شایعه است که جنرال دوستم، معاون اول رییس‌جمهور از اشرف غنی خواهش کرده که تمام سفرهای خارجی خود را طوری تنظیم کند که هر سفر حداقل سه-چهار ماه وقت بگیرد. ظاهراً رییس دولت بودن در غیاب رییس‌جمهور مزه‌اش داده. از آن طرف داکتر عبدالله متوجه شده که رییس اجرائیه پس از رییس‌جمهور یا حتا در عرض رییس‌جمهور، مهم‌ترین مقام دولتی افغانستان است. به دوستم گفته که هر وقت در مورد ساختن کابینه حرفی به میان بیاید، برود یک نفر کلان‌تر خود را خبر کند. کم کم به همان‌جا می‌رسیم که عشق است. یعنی این قیافه گرفتن‌های دیپلماتیک و مدنی و این‌ها خدای‌اش به ما هیچ نمی‌خوانند. ما وقتی اصیل می‌شویم و نور عنعنه واقعا از سیمای مان تشعشع می‌کند که این کوکول‌بازی‌ها را کنار می‌گذاریم و رسماً به هم‌دیگر می‌گوییم که «اگر خیستهم روده‌ات را از دماغت می‌کشیم». حتماً توجه دارید که در این سخن مقداری مبالغه هست. اما اصل نکته روشن است، که عبارت باشد از عصبانی شدن یک افغان در حد کارد. عصبانی هم نباشیم، همین‌طور حرف می‌زنیم. شما فکر می‌کنید این که بزرگان می‌گویند، فساد را از افغانستان گم می‌کنیم، کمتر از کشیدن روده از بینی است؟ نمی‌گویند فساد را کاهش می‌دهیم. نمی‌گویند سعی می‌کنیم دامنه‌اش را محدودتر کنیم. می‌گویند، گمش می‌کنیم. مردم هم وقتی جدیت این حضرات را می‌بینند، ناامید می‌شوند. می‌دانند که آدم که زیاد جدی سخن گفت، قصد ندارد پای حرف خود بایستد. اشرف غنی وقتی نام شرکت سهامی و دولت را یک‌جا می‌شنید، یک رقم قهقهه سر می‌داد که دل آدم می‌شد برود و آن دست‌رخوان سر شانه‌اش را ماچ کند. داکتر عبدالله مگر نمی‌گفت که یک روز هم حکومت تقبلی را قبول نخواهد کرد. آخر، هم آن یکی شرکت سهامی ساخت و هم این یک خلوفت منکر شد که هرگز در خیمه‌ی لویه جرگه سخنرانی کرده باشد. حالا که باز رییس‌جمهور و رییس اجرائیه «رسماً» نشست‌های خود را شروع کرده‌اند، چراغ این امید هم‌چنان روشن است که این دو نفر باز ملاحظاتی را کنار بگذارند و در باره‌ی روده و تنبان و شباهت گوش به تذکره‌ی شیطان و «دان مان خوده سی کو» حرف بزنند. انحطاط افغانستان وقتی کلید می‌خورد که ما از صداقت عنعنوی خود در عرصه‌ی هله کیش کیش عقب‌نشینی کنیم. شما را نمی‌دانم، برای من تمام فایده‌های تشکیل کابینه یک طرف و غرغر شیران میهن در طرف دیگر، این دومی روح افغانستان است.

از آن نام برده شد، گزارش می‌دهد که ۴۲ درصد مردم عراق تصمیم‌های گرفته شده توسط حکومت عراق را غیرمشموع می‌دانند و بنابراین، احتمال دارد شهروندان آن را نادیده بگیرند. بار دیگر این دیدگاه در میان اقوام تفاوت پیدا می‌کند: عرب‌های شیعه ۳۱ درصد، کردها ۳۹ درصد و عرب‌های سنی ۶۶ درصد به این نظر اند.

استاد دانشگاه استنفورد، فرانسیس فوکویاما، نوشته است که قدرت سیاسی تنها نتیجه‌ی منابع و شمار شهروندانی که بر آن‌ها حکم رانده می‌شود، نیست، بلکه نتیجه‌ی درجه‌ی مشروعیت رهبران و نهادهاست. با وجود ضعف و شکنندگی، ساختار حکومت افغانستان از مشروعیت بنیادین برخوردار است. در این مقایسه، حکومت عراق بر ریگ روان ایستاده است. تفاوت سوم و آخری این است که شهروندان افغانستان به‌طور شگفت‌آوری خوش‌بین هستند. ۵۴ درصد آنان می‌گویند که کشورشان در جهت درست روان است؛ با این که این رقم از سال گذشته پایین‌تر است و هر سال نوسان دارد، از سال ۲۰۰۶ بدین‌سو به‌صورت کل، آمار خوش‌بینی مردم افغانستان رو به افزایش بوده است. نظرسنجی ماه می ۲۰۱۴ که توسط شرکت تحقیقاتی دی سه (D3 Systems) در عراق انجام شد، عجیب بود: ۶۲ درصد پاسخ‌دهندگان اظهار کرده بودند که کشورشان به جهت اشتباه در حرکت است (۵۰ درصد عرب‌های شیعه، ۶۱ درصد کردها و ۸۳ درصد عرب‌های سنی که نیم‌شان گفته بودند که احتمال می‌رود جنگ داخلی در سال آینده آغاز شود). بدبینی عراقی‌ها از نظرسنجی بی‌بی‌سی که در سال ۲۰۰۷ انجام شد، آشکار بود. در آن نظرسنجی فقط ۳۰ تا ۳۵ درصد اشتراک کنندگان وضع بهتری را برای آینده‌ی عراق پیش‌بینی کرده بودند، باقی همه بدبین بودند. مردم افغانستان هنوز هم باور دارند که آینده‌ی کشورشان از نگاه سرمایه‌گذاری سیاسی و اقتصادی مثبت است؛ اما در عراق، افق‌های زمانی کوتاه و برنامه‌ریزی‌ها در بهترین حالت، تاکتیکی اند.

سرنوشت پس از طالبان افغانستان و پس از صدام عراق، هر دو بی‌ثبات اند. ما می‌دانیم که بدون ادامه‌ی سطح بلندی از کمک‌های توسعه‌ی خارجی و کمک‌های امنیتی، دولت افغانستان سرنگون خواهد شد. حتاً با ادامه‌ی کمک‌های خارجی، آینده‌ی افغانستان گیج‌کننده و پیچیده است. اما باز هم، این کشور، حکومتش و نیروهای امنیتی‌اش خیلی منسجم‌تر از آن است که بیرونی‌ها فکر می‌کنند.

ما نیز می‌دانیم که کمک بیرونی به هر شکلش، نمی‌تواند تضمین کند که افغانستان مانند عراق گرفتار بی‌نظمی و خون‌ریزی داخلی نمی‌شود. با آن که ما می‌پذیریم که نمی‌توان آینده‌ی هیچ یک از این دو کشور را پیش‌بینی کرد، نباید به‌خاطر درماندگی خود با پیامدهای دو جنگ دشوار و طولانی‌مدت، نتیجه‌گیری کنیم که وضعیت در هر دو کشور مشابه است و هر دو نشان دهنده‌ی حماقت دخالت امریکای صنعتی.

بدون پرسش، آشفتگی امروزی در عراق تا حدود زیادی نتیجه‌ی دخالت امریکاست. اما در افغانستان، کارهای ما کمک کرده‌اند که جنگ وحشیانه‌ی داخلی چندین ساله در این کشور پایان یابد و رژیم فیودالی را که نصف جمعیت خود را زندانی و یادگیری علم را منع کرده بود، سرنگون کند. در دهه‌های آینده، تاریخ‌نگارانی که دسترسی کامل به بایگانی‌ها داشته باشند و بی‌طرفانه بنویسند، نتیجه‌گیری خواهند کرد که ایالات متحده بعد از یازده سپتامبر خزانه‌ی خیلی بزرگی را در افغانستان مصرف کرد و هزینه‌های ایجاد فرصت‌های استراتژیک خیلی بالا بود.

به هر حال، مردم افغانستان تا هنوز می‌گویند که آنان به دولت‌شان، نهاد‌های امنیتی‌شان و آینده‌ای که به کمک و قربانی‌های زیاد ایالات متحده ساخته می‌شود، باور دارند.

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزل‌تان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz		برای ادارات دولتی و شرکتها		برای متعلمین و محصلین	
6 Months	100\$ USD	۲۵۰۰ افغانی	شش ماهه	۷۵۰ افغانی	سه ماهه
Annual	180\$ USD	۴۰۰۰ افغانی	یک ساله	۱۳۰۰ افغانی	شش ماهه
				۲۵۰۰ افغانی	یک ساله

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسؤلیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می گردد.



چگونه چالش‌ها را حرفه‌ای مدیریت کنیم؟



بفش نفست

رضایت‌مندی کارکنان نسبت به محیط کاری جدید و تأثیرات آن بر همکاری، شفافیت کار و خلاقیت صورت گرفت. روی هم رفته ۸۸ درصد کارکنان شرکت از محیط جدید اظهار رضایت کردند و ۶۱ درصد نیز تأثیر محیط جدید بر میزان مشارکت را مثبت قلم‌داد کرده بودند. به علاوه، نرخ ریزش نیروی کار که در جنوری ۲۰۱۳ به رقم ۱۵ درصد رسیده بود، در سه ماه اول سال ۲۰۱۳ تا صفر درصد کاهش یافت که این نشان می‌داد ما توانسته بودیم کارکنان خود را طی دوران جابه‌جایی حفظ کنیم (نرخ فرسایش نیروی کار: کاهش یا ریزش منابع انسانی). خلاصه این‌که به تمامی اهداف کلیدی خود دست یافتیم. برای کسانی که مایل اند به جایگاه ما دست پیدا کنند، چندین درس کلیدی را شرح می‌دهم:

درس نخست: «ارتباط» عنصر مهمی است طی دوران تحول، رهبر یک شرکت باید اطمینان حاصل کند که قبل از شروع کمپاین، طی آن و پس از اتمام آن سازمان تحت نظارت او با کارکنان ارتباطات قوی، منظم و شفاف برقرار می‌کند. این نه تنها سنگ‌بنای یک فرهنگ شفاف سازمانی را شکل می‌دهد، بلکه برای ایجاد اطمینان میان کارکنان، عنصری حیاتی است. اگر شما به کارکنان خود وعده‌ای می‌دهید، باید آن را در موعد مقرر عملی کنید.

البته ارتباطات مانند یک خیابان دوطرفه است. بسیاری از کارکنان یک شرکت در رابطه با چگونگی عملکرد سازمان، دانش عمیقی دارند و مهم آن است که بتوانیم از تمام سطوح سازمانی پذیرای ایده‌هایشان باشیم و زمانی که طی دوران مدیریت تغییر با بازخوردی روبه‌رو می‌شویم، نباید این بازخوردها را نادیده بگیریم، چرا که توجه به بازخوردها از عناصر اصلی یک فعالیت گروهی جامع و فراگیر است. به‌یاد داشته باشید که گفت‌وگو با کارکنان معیار مهمی است.

کارکنان چگونه فکر می‌کنند؟ از چه هراس دارند؟ جایگاه خود را در آینده شرکت چگونه ارزیابی می‌کنند؟ گوش فرادادن به گفته‌های آن‌ها می‌تواند پاسخ سوالات مهمی را کشف کند و آنچه کشف می‌کنید، بر تصمیم‌گیری شما تأثیر به‌سزایی خواهد گذاشت. به‌دنبال یک تغییر اساسی، قطعاً فرصت بزرگی نیز به‌وجود خواهد آمد تا گرایش‌های سازمانی شما را تغییر دهد و کارکنان خود را برای آینده شرکت دوباره به‌کار گیرید.

برای بهره‌گیری از این فرصت، لازم است که صادقانه رفتار کنید. زمانی که کارکنان را مخاطب قرار می‌دهید، تغییر مورد نظر را در قالب فاز جدیدی که شرکت وارد آن می‌شود، ترسیم کنید. اما توقع نداشته باشید که بلافاصله گفته‌های شما را بپذیرند. شما باید آمادگی برخورد با دوره‌ای از تغییرات، عدم اطمینان و استرس را داشته باشید. طی این دوره تمامی مراودات باید روی این چالش مشترک تمرکز کنند که نهایتاً به سود همگان خواهد بود.

ادامه دارد...

را تحت عنوان «سکوی رشد» به اجرا بگذارد که از جمله‌ی این طرح‌ها، فروش یکی از ساختمان‌های شرکت بود؛ اقدامی که به‌دنبال آن مدیران ناچار بودند دفتر مرکزی خود را به محل دیگری منتقل کنند. پس از جست‌وجوهای بسیار برای یافتن محلی جدید، شرکت تصمیم گرفت تا عملیات و کارکنان را به یک ساختمان جدید در ایالت کبک که با همین هدف بنا شده بود، بفرستد.

مقر جدید اداری پلان آزاد و منطبق با تکنولوژی روز بود که قاعدتاً می‌توانست خلاقیت کارکنان را برانگیزد. اما در مورد شرکتی که کارکنان آن برای مدت‌ها در محیط بسته فعالیت کرده بودند، بروز چنین خلاقیتی نیازمند ایجاد تغییرات اساسی در چگونگی تشکیل تیم‌ها و هم‌چنین کنش‌های متقابل افراد با یکدیگر بود. قرار بود که این نقل مکان در اوایل سال ۲۰۱۳ صورت پذیرد.

زمانی که در بهار سال ۲۰۱۲ به عنوان مدیرعامل اجرایی در این شرکت مشغول به‌کار شدم، با تعدادی از کارکنان این شرکت مواجه شدم که به سبب سال‌ها گذراندن اوقات کاری خود در محیط‌های بسته، توانایی ارائه‌ی ابعاد مشارکتی و ارتباطی شغل خود را که لازمی شکوفایی خلاقیت و رقابت است، نداشتند.

در نتیجه اقدامی که در ظاهر تنها نقل مکان از محیط بسته به فضای باز به نظر می‌رسید، حالا می‌رفت تا تحولی عظیم در فرهنگ کاری این کارکنان ایجاد کند تا بتوانند کار در کنار دیگری را بپذیرند، با شفافیت بیش‌تری فعالیت کنند و خلاقانه عمل کنند. به بیان ساده‌تر، در حالی که قرار بود چالش اصلی، تنها به‌سادگی یک تغییر مکان باشد، مدیریت ارشد آن را به‌عنوان فرصتی نادر قلم‌داد کرد که می‌توانست در فرهنگ شغلی شرکت تحول اساسی ایجاد کند و جایگاه شرکت را به‌گونه‌ای تغییر می‌داد تا بتواند به نیازهای در حال تغییر خود پاسخ دهد.

برنامه‌ی مدیریت تغییر و نتایج آن

به این ترتیب، سانوفی کانادا کمپاین جامع یک ساله‌ای را به همراه یک کمیته‌ی رهبری متشکل از اعضای تیم اجرایی و کارکنان منابع انسانی و ارتباطات راه‌اندازی کرد. این کمپاین تاکتیک‌های خلاقانه‌ای را ارائه و سه هدف اصلی را دنبال می‌کرد:

- حصول اطمینان از این‌که گذار به دفتر کار جدید به آرامی صورت گرفته است؛
- ارتقای فرهنگ سازمانی به قسمی که همکاری، شفافیت و خلاقیت بیش‌تری را انعکاس دهد؛
- به حداقل رساندن ریزش منابع انسانی

تلاش کردیم کارکنان از اختیار و آزادی عمل نسبی برخوردار شوند تا در فرآیند تغییر از همان مراحل نخست نقش فعال ایفا کنند. خود نیز به‌عنوان رهبر کمپاین نقش «گرداننده» را بر عهده گرفتیم و می‌بایست فرآیند اجرای کمپاین را سرعت می‌بخشیدیم. پس از تکمیل کمپاین مربوطه، یک نظرسنجی درون شرکتی برای اندازه‌گیری میزان

در سال ۲۰۱۲، در حالی به‌عنوان مدیرعامل اجرایی شرکت سانوفی (SANOFI) کانادا انتخاب شدم که این سازمان بهداشتی و درمانی در آستانه‌ی ایجاد تحولات عظیم سازمانی بود. نه تنها قرار بود صدها کارمند این شرکت به مرکز جدیدی منتقل شوند، که این به خودی خود، در بهترین زمان ممکن نیز چالش‌برانگیز است، بلکه باید خود را برای کار در یک محیط کاری پلان آزاد (OPEN-PLAN) آماده می‌کردند که در تاریخ این شرکت، تجربه‌ی جدیدی بود (پلان آزاد محیط کاملاً باز و بدون مرزبندی است که در آن همه‌ی کارکنان یک شرکت در کنار یک‌دیگر کار می‌کنند، برخلاف ساختمان‌های اداری سنتی که بسته و محدود به دیوارها و اتاق‌های متعدد هستند. حامیان سبک پلان آزاد معتقدند که این سبک معماری، خلاقیت و حس رقابت کارکنان را افزایش می‌دهد).

نقل مکان به اداره‌ی مطابق تکنولوژی روز، در فضایی که همه‌ی کارکنان به جای آن‌که در اتاق‌هایشان مشغول به‌کار باشند، در کنار یک‌دیگر و در فضای کاملاً مشترک کار کنند، نیازمند ایجاد تحولی در «فرهنگ کاری» کارکنان بود. بسیاری از کارکنان ارشد ما سالیان سال در محیط‌های بسته فعالیت کرده بودند.

این‌جا بود که مسئله‌ی درک و مراعات کارکنان اهمیت ویژه‌ای یافت. دریافتیم مسئولیت سختی را برعهده گرفته‌ام، چرا که باید همزمان هم آرامش خاطر کارکنان را در نظر می‌گرفتم و هم اطمینان حاصل می‌کردم که تحولی که در فرهنگ سازمانی‌مان مدنظر داشتیم، به‌خوبی صورت گرفته است. به‌راستی که این مسئله به بزرگ‌ترین چالش حرفه‌ای من تبدیل شد که از آن‌چه در زمان پذیرش این سمت تصورش را داشتم، ابعاد گسترده‌تری داشت.

برای آن‌که با چالش‌های ناشی از نقل مکان به‌درستی روبه‌رو شویم و همزمان در فرهنگ حرفه‌ای خود تحولاتی بنیادین ایجاد کنیم، در پاییز سال ۲۰۱۲، یک کمپاین دوازده ماهه را تحت عنوان «مدیریت تغییر» راه‌اندازی کردیم. در این مقاله می‌گویم نکته‌های کلیدی و نظرهای شخصی خود را از این تجربه در اختیار شما قرار دهم و امیدوارم برای همکارانم که شرایط مشابهی را تجربه می‌کنند، مفید واقع شود.

طی سال‌های دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی و نخستین سال‌های دهه‌ی پس از آن، شرکت سانوفی در تجارت داروهای موسوم به «داروی پرفروش» به موفقیت چشم‌گیری دست یافت؛ اما تا سال ۲۰۰۵ و به‌دنبال کاهش سوددهی این صنعت که در نتیجه‌ی انقضای حق انحصاری عرضه‌ی داروهای مصرفی رخ داد، این شرکت (به همراه سایر شرکت‌های داروسازی) ناچار شد در باره‌ی الگوی تجاری خود تجدید نظر کند.

در جولای سال ۲۰۱۱، شرکت تصمیم گرفت مسیر استراتژیک خود را تغییر دهد و مجموعه‌ی طرح‌هایی



بگو مگو از Hamzeh Vaezi


دستگاه دیپلماسی و رجعت فاجعه‌ی نادانی!
گیجی و حیرانی، گریبان عالم و جاهل، خبیر و خایف را گرفته است... گیجی از وضع موجود و حیرانی از ترکیب و بافت حکومت چند ماه آینده. یکی از اقتدارگرایی پوپولیستی و قهاریت پریشیده‌ی رفتاری اشرف غنی نالان است و دیگری از زیاده‌خواهی و موازی حکومت کردن عبدالله و اعوان جنگ‌اندیشش نگران است. یکی از حکومت سایه‌ی کززی سخن می‌زند و دیگری از تیغ برنده و براق طالبان که بر گلوی دولت متزلزل گذاشته است، پریشان است.

آشفتنگی، نگرانی، بی‌خبری و بیم و بی‌حوصلگی، فغان هر دانی و عامی و ورد تحلیل هر معین و وزیر شده است... آن‌که وزیر است هم، در خوف است و آن‌که هوس وزارت دارد هم در رجا و التجاست... آن‌چه در این شهر ناپیداست، آفتاب فردای سیاست و مهتاب شب‌های شهوت علمای دهر سیاست و فضلالی بحر کیاست است...

برای من که مبتدی کابل‌نشین و مهتدی کیهان سیاستم، این پرسش هر لحظه در ذهن ناروشن خانه می‌کند که این دولت آیا مبد حیات جمعی و مفرح ذات سیاسی ما می‌باشد یا مبلغ اقلیم حیرانی و مبدع دنیای خواب‌آوری و سراب‌پروری ما خواهد بود؟ آن‌چه برای من نشانه‌ی نگرانی و نادانستگی است، این است که فی‌المثل در حوزه دیپلماسی ما داریم به عصر «آخس» علیه‌الرحمه رجعت می‌کنیم. دستگاهی که می‌باید اعتبار سیاست و هویت ما باشد و دانستگی و درایت و فخامت رفتار ما را برای اجنبیان بنمایاند، دارد اقلیم بی‌قلمان و دایره‌ی ناشی‌ترین متعلمان می‌گردد!

دستگاهی که مثلاً «اسپینا»ی استاد علوم سیاسی را تجربه کرده باشد و حضور صادق‌ترین و مدبرترین و پاک‌ترین فرزند این خاک، مانند «جاوید لودین» را درک کرده باشد، مدعیان بی‌دانشی مانند «ضرار» احمد مقبل و بی‌بینه‌ترین وارثانی مانند صلاح‌الدین را بر مسند نشاند، بی‌محابه‌ی نشانه‌ی اقامه و ادامه‌ی یک فاجعه‌ی خاموش است...


Malek Sitez
یک شوفی تلغ
اعضای محترم ناتو!



شما به نحوی، مسئول کشتار بی‌گناه‌ترین انسان‌های افغانستان هستید. این مگر حمایت گسترده‌ی دولت‌های عضو شما از پاکستان نیست که دهشت می‌آفریند؟ چرا آی‌اس‌آی سالانه ۴۰۰ میلیون دالر از جمع ۱۸۰۰ میلیون دالر حمایت امریکا را جذب می‌کند و در شرارت منطقه‌ای مصرف می‌کند؟ چرا ۲۰ درصد حمایت‌های بریتانیا به شکل غیرقانونی مصرف مدارس دینی بنیادگرایانه‌ی اسلامی در وزیرستان و چمتال می‌شود؟ چرا بنیادگرایان اسلامی از کشورهای شما به افغانستان می‌آیند و بر ضد شما جهاد می‌نمایند؟ و شما در کشور من علیه هراس‌افکنی بین‌المللی می‌جنگید. این روی کرد شما متناقض با وضعیت جهان است!


بخشی از سخن‌رانی رییس جمهور افغانستان در همایش عمومی ناتو

Asad Buda
مسافرت



خودشناسی، ربطی به خدانشناسی ندارد. خودشناسی، در واقع مردم‌شناسی است و ریشه در «فهم دیگری» دارد. شناخت همزمان بیرون شدن از خود به جهان بیرونی-عینی و بازگشتن به خود است: بیرون‌گستری-درون‌گستری. با روبه‌رو شدن با انسان‌ها و جوامع گوناگون، خود را بهتر می‌شناسیم. مسافرت، بیش از هر چیزی «عبور از خود»، دیدن و به رسمیت شناختن دیگری است و کشف خود در جهان دیگری/دیگران ناشناخته، نو و غیرتکراری را ممکن می‌سازد. وقتی انسان‌هایی را می‌بینیم که سوار بر کشتی، در غروب غریبی در اعماق دریاها گم می‌شوند، ما هم به نحوی با آن‌ها همراه می‌شویم و خود را در خیزاب‌های مخوف دریا گم می‌کنیم و غریب و آواره‌ی آب‌ها می‌شویم. ما عضوی از یک جهان انسانی بزرگ‌تر هستیم. با دیدن انسان‌های متفاوت، جنبه‌های ناشناخته‌ی خود را فهم و کشف و در نتیجه می‌توانیم خود را تصحیح، بازنگری و از نو بازنگاری کنیم.

Raha Banoo



آری، آزادی به معنای برهنگی و بی‌بندوباری نیست! آزادی یعنی احساس مسئولیت داشتن در مقابل خودمان و انسان‌های دیگر، آزادی یعنی احترام به انسان‌ها و حق دادن به آن‌ها برای باورها و انتخاب‌ها، تصمیم‌ها و عقایدشان، البته تا جایی که به ضرر دیگران نباشد، آزادی یعنی هر چیزی یا هر کسی که اذیتت می‌کند، بتوانی از زندگیت برای همیشه دورش بیندازی و دیگر به‌سویش نه نگاه کنی و نه برگردی، آزادی یعنی برای یک لحظه و یک دقیقه هم که شده خودت را جای دیگران بگذاری تا شاید احساس و درد آن‌ها را بتوانی حس و درک کنی و فقط با احساس خودت یک‌طرفه سخن نگوئی، آزادی یعنی این زمانه را با صدها سال پیش یا یک انسان را با یک انسان دیگر هرگز مقایسه نکنی، آزادی یعنی اجازه ندهی کسی تو را به‌خاطر هیچ چیز و هیچ‌کس توهین و تحقیر کند، خصوصاً وقتی تو برای آن مقصر نیستی!

بایرنی‌ها نگران تمدید قرارداد گواردیولا



بایرن مونیخ تحت رهبری پپ گواردیولا علی‌رغم داشتن مصدومین متعدد، این روزها در اوج آمادگی به سر می‌برد و در هر سه جام بوندسلیگا و حذفی و چمپیونزلیگ نتایج درخشانی کسب کرده است. این روزها در سرمای آلمان گواردیولا را با شال‌گردنی که تولید فروشگاه رسمی بایرن مونیخ است، می‌بینیم. اما او هرگز کلاه بر سر نمی‌گذارد. کار دیگری که او هیچ‌گاه انجام نمی‌دهد، صحبت کردن در مورد آینده‌اش است. با پایان یافتن ماه نوامبر کم‌کم نیمی از مدت قرارداد سه‌ساله این مربی که در جولای سال ۲۰۱۳ منعقد شد، سپری شده است. جمعه شب حین برگزاری مجمع سالانه‌ی باشگاه بایرن، کارل هاینس رومنیگه از گواردیولا دعوت کرد قراردادش را با این باشگاه تمدید کند: «پپ آدمی نیست که اهل تمدید پیش از موعد باشد. اما من از وی درخواست می‌کنم اگر چنانچه مایل به ماندن باشد، ما آماده‌ایم».

هاینکس: به کروس توصیه کردم در بایرن بماند

یوپ هاینکس، سرمربی سابق بایرن مونیخ فاش کرد، در تابستان تلاش زیادی کرد تا تونی کروس را متقاعد به ماندن در این باشگاه باواریایی کند. کروس که فصل گذشته برای مدتی در بایرن نیمکت‌نشین شد، بعد از درخشش در جام جهانی ۲۰۱۴ در تابستان راهی ریال شد. هاینکس به کیکر گفت: «در حال حاضر، کروس بهترین بازیکن پست خودش است. او در خط میانی بسیار باهوش بازی می‌کند. من ترجیح می‌دادم او را هم‌چنان در بایرن ببینم. به خودش هم توصیه کردم بماند. اما او در یک تماس تلفونی که در زمان جام

پودولسکی: دوست دارم به کلن برگردم

لوکاس پودولسکی قصد دارد پایان دوران فوتبالش را در افسی کلن باشد. ملی‌پوش ۲۹ ساله‌ی آلمان که در شهر کلن متولد شده است، از بودنش در آرسنال راضی نیست و قصد دارد در نیم‌فصل از این تیم جدا شود. وی در حاشیه‌ی مراسمی در شهر دارمشتات آلمان به خبرنگار «اسکای اسپورت» گفت: «به احتمال بسیار زیاد به تیم کلن خواهم رفت. من هنوز به این تیم تعلق خاطر دارم و دوست دارم یک‌بار دیگر سرود باشگاه را بشنوم و حس با پیراهن شماره‌ی ۱۰ از رخت‌کن وارد زمین شدن را تجربه کنم». این بازیکن که در خط حمله بازی می‌کند، یک‌بار از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ و یک‌بار هم

نویر: خوشحالم شانس بردن توپ طلا را دارم

دوشنبه‌شب مانویل نویر، کریستیانو رونالدو و لیونل مسی به عنوان کاندیدهای اصلی کسب توپ طلای فوتبال جهان معرفی شدند. نویر در نخستین واکنش به این اتفاق گفت: «خبر فوق‌العاده‌ای بود. این برای من یک افتخار بزرگ است. انتخاب یک دروازه‌بان برای این عنوان، اتفاق رایج و معمولی نیست. من این را بیش‌تر مدیون تیم‌هایم هستم. سال ۲۰۱۴ در بایرن مونیخ و تیم ملی آلمان سال فوق‌العاده‌ای بود و عناوین متعددی به‌دست آوردیم».

نویر اینک این شانس را دارد که افتخار لوتار ماتئوس که سال ۱۹۹۱ تنها آلمانی که تا به حال مرد سال فوتبال جهان شده لقب گرفت، را تکرار کند. کارل هاینس رومنیگه، نایب رییس بایرن مونیخ هم در تمجید از سنگربان تیمش که در فصل جاری تنها سه گول دریافت کرده گفت: «خیلی برای مانویل خوشحالم. او هم در جام جهانی، هم در چمپیونزلیگ و هم در بوندسلیگا عملکرد تحسین‌برانگیزی داشته و عناوین مهمی هم کسب کرد. آخرین دروازه‌بان آلمانی که موفق شد به جمع کاندیدهای نهایی انتخاب بهترین فوتبالیست جهان راه پیدا کند، ایور کان بود که سال ۲۰۰۲ در نهایت قافیه را به رونالدو برزیلی باخت».

رونالدو: ریال مثل خانواده‌ی دوم من است

کریس رونالدو، ستاره‌ی ریال مادرید، از این تیم با عنوان خانواده‌ی دومش یاد کرد و تأکید کرد که جو رختکن ریال بهترین شرایط را در چند سال اخیر دارد. رونالدو که دوشنبه به عنوان یکی از کاندیدهای نهایی توپ طلای سال ۲۰۱۴ معرفی شد، تا این‌جا فصل در ۲۰ بازی، ۲۶ گول برای ریال به ثمر رساند و کمک کرد تا تیمش در ۱۶ بازی پیاپی به پیروزی برسد. او به خبرنگاران گفت: «تیم از اعتماد به‌نفس بالایی برخوردار است و می‌خواهیم به همین روند ادامه بدهیم. این بهترین جوی است که من در چند سال اخیر در رخت‌کن تیم دیدم. ریال مانند خانواده‌ی دوم من است. ما هر روز در کنار هم کار می‌کنیم. من خوشحال هستم و از بودن در کنار هم تیمی‌هایم احساس فوق‌العاده‌ای دارم. کادر فنی هم از شرایط رختکن بسیار راضی هستند. می‌شنویم که خیلی‌ها می‌گویند این بهترین ریال مادرید چند سال اخیر است؛ اما می‌دانیم که تنها موضوع مهم، کسب پیروزی است. در حال حاضر ما در شرایط بسیار خوبی هستیم؛ زیرا ۱۶ پیروزی پیاپی کسب کرده‌ایم».

بیلسا: امیدوارم توپ طلا به مسی برسد

مارسلو بیلسا، سرمربی المپیک ماری، اعلام کرد تنها چیزی که از مراسم توپ طلای امسال می‌خواهد، رسیدن جایزه بهترین بازیکن به لیونل مسی است. مسی بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲، چهار بار پیاپی این جایزه را از آن خود کرد و امسال هم در فهرست سه نامزد نهایی این جایزه است. هرچند بسیار شانس کریس رونالدو و مانویل نویر برای کسب توپ طلا را بیش‌تر می‌دانند؛ اما بیلسا امیدوار است مسی برای پنجمین بار فاتح توپ طلا شود. او به خبرنگاران گفت: «تنها چیزی که می‌خواهم این است که توپ طلا به مسی برسد». سرمربی آرژانتینی هم‌چنین در مورد شرایط تیمش در آستانه‌ی دیدار دیشب مقابل لورین گفت: «اندره آیف و رومن الساندرینی در این دیدار غایب هستند. فکر می‌کنم مدافعانم دفاع سه نفره را درک کرده‌اند. بازیکنان حرفه‌ای مشکلی برای تطبیق پیدا کردن با سیستم‌های مختلف ندارند».

فلورنتینو پرنز: برای ریال، غیرممکن وجود ندارد

بازیکنان و اعضای کادر مربی‌گری ریال مادرید، همراه با فلورنتینو پرنز ساعتی پیش در یک مراسم تبلیغاتی برای کمپنی آبودی شرکت کردند. فلورنتینو پرنز رئیس باشگاه ریال مادرید، که از کسب بردهای متوالی ریال به وجد آمده است، در حاشیه این مراسم گفت: «ما موفق به ثبت رکورد ۱۶ برد متوالی شدیم. چیزی که در تاریخ ۱۱۲ ساله باشگاه سابقه نداشت. چنین روندی را کسی در ریال به یاد ندارد. بودن در کنار چنین بازیکنان و چنین مربیانی، مایه غرور و افتخار من است. آن‌ها نشان دادند که برای ریال، غیرممکن وجود ندارد».

پتر چک: امیدوارم توپ طلا به نویر برسد

راهیابی مانویل نویر به جمع سه کاندیدهای نهایی دریافت توپ طلای بهترین فوتبالیست جهان، در دنیای دروازه‌بان‌ها اتفاق رایجی نیست. ساعتی بعد از اعلام انتخاب مانویل نویر، دروازه‌بان تیم ملی آلمان و باشگاه بایرن مونیخ به عنوان یکی از سه شانس کسب توپ طلا، پتر چک حمایت خود را از وی اعلام کرد. سنگربان اهل جمهوری چک که سال ۲۰۰۵ بهترین سنگربان دنیا شد، در تویترش نوشت: «امسال بهترین فرصت است که یک دروازه‌بان عنوان بهترین فوتبالیست جهان را از آن خود کند. امیدوارم این اتفاق بیفتد. موفق باشی مانویل!» چک که در تیم چلسی عضویت دارد، این پیغام را به زبان آلمانی نوشت. نویر در این راه باید با لیونل مسی از بارسلونا (دارنده‌ی چهار توپ طلا) و کریستیانو رونالدو از ریال مادرید رقابت کند. نتیجه‌ی نهایی در تاریخ ۱۲ جنوری سال ۲۰۱۵ مشخص خواهد شد.

کلوپ: دیگر شکست‌های دورتموند غافل‌گیر نمی‌کنند

دوشنبه شب مراسمی در شهر فرانکفورت برگزار شد که سرمربی دورتموند هم در آن‌جا به سخنرانی پرداخت. این روزها بوریس دورتموند در قعر جدول بوندسلیگا خطر سقوط را بیخ گوش خود احساس می‌کند. گویی هواداران و بازیکنان این تیم به آخر خط رسیده‌اند. یورگن کلوپ بعد از کسب هشتمین شکست این فصل آن هم با حساب ۲ بر ۰ مقابل آیتراخت فرانکفورت، دوشنبه شب در سالنی در هتل فرانکفورت هوف در میان ۲۶۰ میهمان که هرکدام برای حضور در این مراسم ۳۵۰ یورو پرداخته بودند، در مورد وضعیت بحرانی این روزهای تیمش صحبت کرد. او گفت: «فکرش را نمی‌کردم به این روز بیفتیم. دو سه هفته است که دیگر از نتیجه غافل‌گیر نمی‌شوم. به هر حال، تیم ما مصدومان بسیاری دارد. اما گول‌های مستخره‌ای دریافت می‌کنیم که دو گول آیتراخت دربرابراش خیلی خوب بود. در هر حال، من کسی نیستم که استعفا بدهم. تا زمانی که دورتموند مرا بخواهد، به کار ادامه

سوارز: به‌خاطر گول نزدن، نگران نیستم

احساس می‌کنم اهمیت برای تیم فراتر از گولزنی است. امیدوارم بتوانم گول بزنم؛ اما بارسا دو مهاجم عالی (مسی و نیمار) دارد. پس مشکلی نیست.



آن‌چه برای من رخ داده این است که در دیدار مقابل والنسیا، به جای این‌که از روی غریزه به توپ ضربه بزنم، لحظه‌ای مکث می‌کردم و همین باعث شد تا موقعیت‌های خوبی را از دست بدهم. تلاش می‌کنم تا غریزه‌ی گولزنی‌ام را بار دیگر به‌دست بیاورم».

لویس سوارز، مهاجم بارسلونا تأکید کرد که نگران گول نزدنش در رقابت‌های لالیگا نیست. این ستاره‌ی اروگوئه‌ای که هفته‌ی گذشته در دیدار مقابل آپول در چمپیونزلیگ موفق به گولزنی نشد، هنوز در ۵ دیداری که در لالیگا برای آبی و اناری‌ها انجام داده، نتوانسته دروازه‌ی حریفان را باز کند. اما او که تا به حال چهار پاس گول برای هم‌تیمی‌هایش فراهم کرده، مطمئن است که به‌زودی گولزنی‌هایش را آغاز خواهد کرد. او به رادیو کاتالونیا گفت: «می‌دانم برای زدن گول به بارسا آمده‌ام؛ اما نگران نیستم».

ونگر: هانری روزی به آرسنال برمی‌گردد

آرسن ونگر، سرمربی آرسنال مطمئن است که تیری هانری روزی به این باشگاه بازخواهد گشت. هانری که تا پایان رقابت‌های این فصل MLS با نیویورک ردبولز قرارداد داشت، با شکست تیمش مقابل نیو انگلند در فاینل کنفرانس شرق (نیمه‌نهایی مجموع رقابت‌های MLS)، حالا می‌تواند از این باشگاه جدا شود. او هنوز در مورد آینده‌اش تصمیم‌گیری نکرده؛ اما ونگر مطمئن است که بازگشت به امپریتمس می‌تواند یکی از گزینه‌های همیشگی این ملی‌پوش سابق فرانسوی باشد. او به خبرنگاران گفت: «درک می‌کنم که او می‌خواهد برای مدتی روی تصمیمی که قصد دارد بگیرد، فکر کند. مطمئناً روزی او به این‌جا بازخواهد گشت. این که چه پستی خواهد داشت را نمی‌دانم». هانری در سال ۱۹۹۹ از یوونتوس به آرسنال پیوست و بعد از ۸ فصل حضور در این باشگاه، به بهترین گولزن تاریخ توپچی‌ها تبدیل شد. او در سال ۲۰۱۲ برای مدتی کوتاه بار دیگر برای آرسنال به میدان رفت و در اولین بازی اش موفق به گولزنی شد.

کروس:

مهم‌ترین چالش من در ریال، زبان است

تونی کروس، ستاره‌ی آلمانی ریال مادرید، یاد گرفتن زبان اسپانیایی را مهم‌ترین چالش پیش روی خود توصیف کرد. کروس که در تابستان از بایرن به ریال پیوست، خیلی زود به یکی از بازیکنان اصلی تیم کارلو آنچلوتی تبدیل شد؛ اما خود او تأکید کرد که برای سازگار شدن با محیط جدید، باید هرچه زودتر

اشرف غنی: فصل جدید روابط افغانستان-ناتو شروع می‌شود



بخش‌های مختلف به افغانستان ادامه دهند. او در ادامه افزود، در حال حاضر شورشیان توان این را ندارند که حملاتی مثل ۱۱ سپتامبر را انجام دهند؛ اما افغانستان هنوز به کمک‌های دوام‌دار ناتو و جامعه بین‌المللی در مبارزه با تروریسم نیاز دارد. به دنبال آن، یونس استولتنبرگ، سرمنشی ناتو حضور مقام‌های افغان در مقر ناتو را نشان دهنده‌ی همکاری قوی سازمان ناتو و افغانستان عنوان کرد. او گفت که ناتو به کمک‌های خود در بخش تمویل نیروهای افغان ادامه می‌دهد. از سوی هم، وزیران خارجه‌ی کشورهای عضو پیمان ناتو دبروز روی مأموریت جدید این سازمان در افغانستان در بروکسل، پایتخت بلجیم گفت‌وگو کرده‌اند. سرمنشی جدید ناتو گفت که کشورهای عضو ناتو متعهد اند که همکاری‌های مشترک خود را با افغانستان ادامه بدهند. مأموریت رزمی ناتو تا حدود یک‌ماه دیگر به پایان می‌رسد. مأموریت جدید این سازمان شامل آموزش، مشوره‌دهی و تقویت نیروهای امنیتی کشور است.

اطلاعات روز: محمد اشرف غنی، رئیس جمهور کشور اعلام کرد که فصل جدیدی از روابط بین افغانستان و ناتو برقرار می‌شود. رئیس جمهور گفت، این روابط باعث صلح و ثبات افغانستان، منطقه و جهان خواهد شد. او این اظهارات را روز گذشته در نخستین روز سفرش در یک نشست مشترک خبری با سرمنشی سازمان ناتو در بروکسل بیان کرد. در این نشست عبدالله عبدالله، رئیس اجرایی حکومت نیز حضور داشته است. اشرف غنی می‌گوید، فصل جدید همکاری‌های سازمان ناتو و افغانستان، به تاریخ اول ماه جنوری سال ۲۰۱۵ میلادی آغاز می‌شود. به گفته‌ی او، مأموریت جنگی ناتو در افغانستان، به تاریخ ۳۱ دسامبر پایان می‌یابد و نیروهای افغان، مسئولیت کامل امور را به عهده می‌گیرند. عبدالله نیز در نشست مذکور گفت که توشیح توافق‌نامه‌های امنیتی با امریکا و ناتو، یک چوکات قانونی را برای حضور دوام‌دار نیروهای ناتو در افغانستان مهیا ساخته است. او افزود که ناتو و جامعه‌ی جهانی به کمک‌هایشان در

توزیع تذکره‌ی الکترونیکی به زودی آغاز می‌شود



برمی‌گیرد. تذکره‌ی الکترونیکی به صورت کارت، شبیه کارت بانک‌ها و کارت شناسایی اداره‌های مختلف تهیه شده که یک «چپ» کوچک الکترونیک هم در عقب آن کار گذاشته شده که اطلاعات صاحب شناس‌نامه در آن ذخیره می‌شود. در صفحه‌ی نخست تذکره عکس صاحب تذکره و عنوان «جمهوری اسلامی افغانستان» درج است. اطلاعات دیگری مانند نام، نام خانوادگی، محل سکونت و تاریخ تولد نیز در تذکره‌ی جدید به زبان فارسی و پشتو درج شده‌اند. در زمانی که طرح این قانون در مجلس بود، شماری از نمایندگان تأکید داشتند، باید نام اقوام در تذکره‌ی الکترونیکی درج شود؛ اما شمار دیگری مخالف آن بودند. این مسئله بین مردم و رهبران سیاسی نیز جنجالی شد و آنان نیز خواستار ذکر نام اقوام در این تذکره‌ی جدید شدند. اما چندی پیش زمری باهر، سرپرست اداره‌ی ثبت و توزیع تذکره‌ی الکترونیکی گفت، در قانون ثبت احوال نفوس تصویب شده که نام اقوام در تذکره‌ی جدید ذکر نشود. گفته می‌شود که با توزیع این تذکره بسیاری از مشکلات در کشور حل می‌شوند.

اطلاعات روز: اداره‌ی توزیع تذکره‌ی الکترونیکی اعلام کرد، پس از بازگشت اشرف غنی از لندن، روند توزیع تذکره‌ی الکترونیکی رسماً آغاز می‌شود. به گفته‌ی مسئولان این اداره، روند توزیع تذکره‌ی الکترونیکی در مراسمی از کابل آغاز و نخستین تذکره‌ی جدید به رئیس جمهور داده می‌شود. نصیر احمد امین، رئیس عملیاتی اداره‌ی توزیع تذکره‌ی الکترونیکی دبروز به بی‌بی‌سی گفت، با توشیح قانون ثبت احوال نفوس از سوی رئیس جمهور، همه‌ی موانع از راه توزیع تذکره‌ی الکترونیکی برداشته شده‌اند. او تأکید کرد، همه‌ی کارها از قبل انجام شده بودند و این اداره منتظر توشیح قانون جنجالی ثبت احوال نفوس از سوی رئیس جمهور بود. امین تأکید کرد که ابتدا ۱۰ مرکز توزیع تذکره‌ی جدید در کابل تشکیل می‌شود و این مرکزها، روزانه به ۱۲ تا ۱۶ هزار نفر تذکره‌ی جدید می‌دهند. رئیس عملیاتی اداره‌ی توزیع تذکره‌ی الکترونیکی گفت که توزیع تذکره‌ی جدید در دیگر مناطق کشور به شکل تدریجی آغاز می‌شود و در کل این روند، شش تا هفت سال را در

۴،۹۹

افغانی فی دقیقه

با ایران در تماس باشید

این هزینه از قبل فعال گردیده است - بدون فیس اضافی



افغان بی‌س‌وایر
Afghan Wireless

برای معلومات بیشتر به ۱۵۲ در تماس شوید یا پیام ارسال کنید
و یا به ۰۷۰۰ ۸۳۰ ۸۳۰ تماس بگیرید.

www.afghan-wireless.com

